

در اعتراض به تعویق چند ماهه دستمزدها

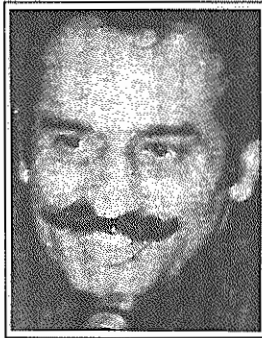
دو هزار کارگر کارخانه نساجی قائم شهر مدیران کارخانه را گروگان گرفتند

کارگران نساجی قائم شهر در اعتراض به تعویق چند ماهه حقوق خود به اعتصاب دست زدند و مدیران کارخانه را در اتاق‌هایشان بازداشت کرده و آنها را به گروگان گرفتند. مطابق گزارش‌های رسیده، حکومت به جای یافتن راه‌حلی برای برطرف ساختن مشکلات کارگران، نیروهای سرکوبگر خود را روانه محل اعتصاب کرده و پاسداران کارخانه را به محاصره خود درآورده‌اند! گروگان‌گیری و به گروگان درآمدن کارگران قائم شهر، قطعاً نه آخرین نمونه که نشانه‌های از یک سلسله مبارزه کارگران و زحمتکشان در برابر فلاکتی است که بر آنها تحمیل شده است. ماهی تعویق در پرداخت حقوق، آنهم حقوقی ناچیز، و در شرایط گرانی طاقت‌فرسا، که هر روز هم طاقت‌فرسای می‌شود، البته پیامدهایی جز این نخواهد داشت.

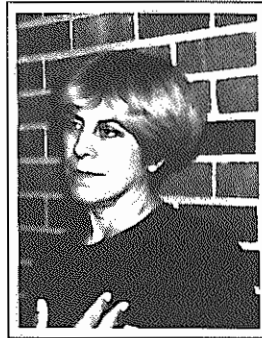
روند بی‌انقطاع تعطیلی کارخانجات و واحدهای تولیدی از یکسو و تعویق‌های مدام

ادامه در صفحه ۳

داریوش و پروانه فروهر در تهران ترور شدند



رژیم رذیلانه سکوت کرده است، همه مردم ایران می‌دانند این جنایت کار اوست



● شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ترور جنایتکارانه داریوش و پروانه فروهر را محکوم کرد و حکومت اسلامی را عامل این جنایت دانست

داریوش و پروانه فروهر، دو مبارز راه آزادی، در نخستین ساعات یکشنبه گذشته در تهران ترور شدند. قاتلین با گل و شیرینی به خانه این زن و شوهر که سال‌ها در این راه با ضربات کار قسطه قطع شده بودند، خبرگزاری جمهوری اسلامی در خبر کوتاهی که در ساعت ۸

یکشنبه شب مخابره کرد، نوشت برابر اعلام پلیس محلی انگیزه این جنایت هنوز روشن نیست و تحقیقات در این باره ادامه دارد. برای روشن شدن انگیزه‌های این جنایت احتیاج به هیچ تحقیقات ویژه‌ای نیست، هر آن کس که این خبر را شنید، در نخستین واکنش خود بر این حقیقت انگشت گذاشت که کار

ادامه در صفحه ۳

سپاه پاسداران در دانشگاه‌ها پایگاه نظامی تشکیل می‌دهد

مجلس شورای اسلامی با تصویب طرح «آموزش و گسترش بسیج دانشجویی در دانشگاه‌ها» به سپاه پاسداران اختیار داد برای سرکوب جنبش اعتراضی و آزادی‌خواهانه دانشجویان، در هر یک از دانشگاه‌ها، موسسات و مراکز آموزش عالی کشور، از طریق بسیج دانشجویی پایگاه نظامی تشکیل دهد. طبق این طرح، که هفته گذشته در مجلس از تصویب نهایی گذشت، اداره امور فرهنگی و انضباطی دانشگاه‌ها با سپاه پاسداران و نمایندگان ولایت فقیه خواهد بود و وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و درمان و آموزش پزشکی، رییس تشکیل واحدهای مسلحانه بسیج دانشجویی در دانشگاه‌ها با پاسداران همکاری کنند. در ماده واحده این قانون آمده است: بسیج دانشجویی در کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش

ادامه در صفحه ۶

سر مقاله

«بسیج» باید از دانشگاه‌ها بیرون رود!

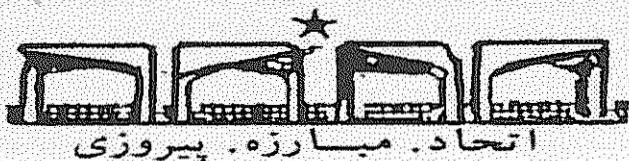
مجلس شورای اسلامی که اکثریت آن در دست مخالفان پر و باقرص هرگونه اصلاحات و گشایش سیاسی است، هفته گذشته در شور دوم طرحی را به تصویب رسانید که به موجب آن، بسیج دانشجویی به مثابه یک نهاد تحت کنترل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، تا حد یک ارگان رسمی دانشگاه ارتقا می‌یابد و مسئول آن به عضویت شورای فرهنگی هر مؤسسه آموزش عالی در می‌آید. در قانون مصوب مجلس آمده است هدف از تقویت بسیج دانشجویی، گسترش روحیه «بسیجی و دفاعی» در میان دانشجویان است. قرار است هزینه این طرح از محل بودجه نظامی جمهوری اسلامی تأمین شود.

در شرایطی که حتی در دوره جنگ هشت ساله با عراق نیز ظاهراً نیاز به چنین قانونی نبود، اکنون این سؤال بجاست که چه شده که ده سال پس از پایان جنگ، قانونگذاران جمهوری اسلامی به فکر افتاده‌اند بسیج دانشجویی را اینچنین ارتقا بخشند و به گسترش روحیه نظامی در دانشگاه‌ها بپردازند؟ پاسخ به این پرسش، بسیار ساده است. هدف از تقویت بسیج دانشجویی، کنترل و در صورت لزوم و امکان، سرکوب جنبش دانشجویی است که در سال‌های اخیر علیرغم ده دهه تصفیه مراکز آموزش عالی، از کنترل نیروهای دولتی تقریباً خارج شده است. دانشجویان، در مبارزات دو سال اخیر علیه جناح انحصارطلب حکومت، نقشی بسیار فعال داشته‌اند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری، دانشجویان یکی از نیروهای اصلی فعالیت علیه کاندیدای ولایت فقیه بودند. در یک سال اخیر، نخستین مقاومت‌ها در برابر بستن روزنامه‌های منتقد، حذف کاندیداها توسط شورای نگهبان و سایر تعرضات ولایت فقیه به دستاوردهای جنبش آزادیخواهانه مردم، در دانشگاه‌ها شکل گرفته است. دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی به خاری در چشم آخوندهای حاکم تبدیل شده‌اند. درست در آغاز سال تحصیلی جدید، در مهرماه امسال، مجلس شورای اسلامی در شور اول، طرح تقویت بسیج دانشجویی را تصویب کرد و اکنون، کار تصویب آن را در شور دوم به اتمام رسانده است. این در شرایطی است که انتظار می‌رود به دنبال یورش‌های ارتجاع، از تعطیل روزنامه و دستگیری گردانندگان آن و نیز بازداشت و تهدید اعضای مؤسس کانون جدید نویسندگان گرفته تا تشکیل یک مجلس خبرگان یکدست طرفدار روحانیت واپس‌گرا، سال تحصیلی جاری در دانشگاه‌ها سال ناآرامی باشد. با توجه به این «خطر» است که جناح مسلط حکومت برای کنترل و سرکوب جنبش دانشجویی زمینه می‌چیند. ابزاری که حکومت به فکر استفاده از آن افتاده، سلاحی زنگ‌زده و کهنه است: حضور نظامیان سرسپرده در دانشگاه‌ها.

جنبش دانشجویی در ایران از حضور نیروهای مسلح و نظامی در

ادامه در صفحه ۶

به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو



جنبش دانشجویی و نقش آن در موقعیت کنونی سیاسی کنونی کشور

صفحه ۶

نگاهی به زمینه‌های پیدایش و فعالیت‌های سازمان دانشجویان پیشگام ایران

صفحه ۷

جلالین‌پور: مسئولین یا پای شعار جامعه مدنی بایستند

یا بگویند که شوخی کرده‌اند

محافظه کاران چنین ادامه می‌دهد «... عمل کرد جنبه کارگزاران سازندگی جای بحث دارد، واقعا آمد، اما دوباره سر بخراشد آورد. «حمید رضا جلالی پور» مدیر مسوول روزنامه «جامعه» نیز گفت: مسوولانی که شعار جامعه مدنی را سرداده‌اند یا باید پای این شعار بایستند و یا این که به مردم بگویند که شوخی کرده‌اند. وی در بخش دیگری از سخنان خود با حمله به

مسئولان روزنامه‌های «جامعه» و «توس» در نشستی با دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر شرکت کردند. «ماشالله شمس الواعظین» سردبیر این روزنامه‌ها در بخشی از سخنان خود گفت: «استراتژی ما بقاء به هر قیمتی نبود». ما در چارچوب قانون و فضایی که پس از دوم خرداد ایجاد شده بود، عمل می‌کردیم. وی افزود: سکتته‌ای

با قبضه هیات‌های نظارت

جناح راست حکومت، کنترل بر انتخابات شوراهای را در دست خود گرفت

جناح خط امام است و نفر پنجم مجتبی موسوی اجاق، نماینده کرمانشاه، ظاهراً عضو هیچ کدام از دو جناح نیست. هیات مرکزی نظارت، هفته گذشته اعضای هیات‌های عالی نظارت را، که نمایندگان استان‌ها در مجلس شورای اسلامی

در هیات مرکزی نظارت که انتخابات سراسر کشور بر عهده آن است، پنج نفر از نمایندگان مجلس عضو هستند. از این عده سه تن: علی موحدی ساوجی، صالحی خوانساری و علی‌اکبر ابوترابی فرد، از چهره‌های جناح راست می‌باشند. محمدرضا رادچمنی، نماینده سبزوار از

رسیدگی به صلاحیت داوطلبان عضویت در شوراهای شهر و روستا را قبضه کرده و صراحتاً تاکید می‌کند که هیات مرکزی نظارت و هیات‌های عالی نظارت بر انتخابات شوراهای، در همه مراحل انتخابات حق دخالت دارند و نظارت آنان نیز «استوایی» است.

مثل انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد و یا مثل انتخابات خبرگان در اول آبان؟ جناح سرکوبگر و ضدآزادی حکومت در تدارک آن است که نگذارد در انتخابات شوراهای اراده‌ای شکل بگیرد که قدرت انحصاری آن را به خطر بیاندازد. این جناح از هم‌اکنون ارگان‌های

هر روز که به آغاز برگزاری انتخابات شوراهای نزدیک‌تر می‌شویم، ضربان رژیم تندتر می‌تپد. جمهوری اسلامی هم حوزه‌های پرجمعیت و شلوغ می‌خواهد و هم انتخابات بی‌دردسر. انتخابات شوراهای قرار است اسفند ماه امسال برگزار شود، چگونه خواهد بود،

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، مبرم‌ترین مسأله کارگران است

اعتصاب حدود دو هزار کارگر کارخانه نساجی قائمشهر، مسایل مبارزات کارگران را در صدر حوادث و تحولات سیاسی کشور قرار داد. اعتصاب کارگران نساجی، تنها نمونه‌ای از اعتراضات کارگری در چند ماهه اخیر است که به سرعت دامنه و وسعت گرفته است. در تعدادی از واحدهای تولیدی، کارگران به خاطر عدم پرداخت حقوق یا به خاطر افزایش دستمزد و دیگر خواست‌هایشان دست به اعتصاب زده‌اند. اعتراضات کارگران چنان دامنه‌ای گرفته است که بعد از حرکات کارگری سال‌های نخست انقلاب، هرگز شاهد آن نبوده‌ایم.

این اعتراضات در درجه اول ناشی از بحران اقتصادی و عملکرد حکومت اسلامی و اقدامات کارفرمایان است. به نوشته مطبوعات کشور، حدود ۳۰۰ واحد تولیدی تعطیل شده‌اند و صدها واحد تولیدی در خطر تعطیلی قرار دارند. بسیاری از واحدهای تولیدی که هنوز هم به حیات خود ادامه می‌دهند، قادر به پرداخت حقوق کارگران خود نیستند.

بر اثر رکود اقتصادی، بخش قابل توجهی از کارگران به صفوف پیکاران می‌پیوندند و بر اثر تورم به طور روزانه از قدرت خرید آن‌ها کاسته می‌شود. رکود اقتصادی و تورم لجام‌گسیخته، زندگی کارگران را به مرز فلاکت رسانده است.

حرکات اعتراضی کارگران در شرایط بحرانی، خواهد ناخواه جنبه دفاعی به خود می‌گیرد. کارگران در درجه اول می‌کوشند آن‌چه را به دست آورده‌اند، از دست ندهند. به همین خاطر امروزه مبارزه با اخراج‌ها، دفاع از قانون کار، پرداخت به موقع دستمزدها و مقابله با کاهش قدرت خرید، در کانون مبارزات کارگران قرار گرفته است.

بدیهی است که مبارزه کارگران در شرایط بحران اقتصادی فزاینده، زمانی موثر و کارا خواهد بود که به سلاح کارگران، یعنی تشکلهای مستقل کارگری متکی باشد. مبارزه کارگران در واحدهای تولیدی مجزا، از کارایی لازم برخوردار نیست. اکنون ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و دفاع از حقوق کارگران به مبرم‌ترین مسأله کارگری تبدیل شده است، زیرا بدون وجود چنین سازمان‌هایی، همه مبارزات کارگران بی‌ثمر و یا کم‌ثر خواهد ماند.

ایجاد تشکلهای کارگری با توجه به امکانات موجود، می‌تواند از راه‌های متفاوتی صورت گیرد. در فضای سیاسی کنونی، با توجه به گسترش اعتراضات کارگری، امکانات بیشتری به وجود آمده است که در کنار اقداماتی که مستقیماً برای تشکیل سازمان‌های کارگری صورت می‌گیرد، بتوان تشکلهای موجود کارگری را نیز به تشکلهای مستقل و واقعی کارگران تبدیل کرد و یا در خدمت آن قرار داد. مهم این است که محتوای تشکلهای کارگری که در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی وجود دارد و یا به وجود می‌آید، هر چه بیشتر از وابستگی به حکومت دور شود و بیانگر خواست‌های مستقیم کارگران باشد. در این صورت این تشکلهای کارگری توانست ادامه مبارزه کارگران و پیروزی‌های بیشتر برای آن را تضمین کنند.

گسترش اعتصابات کارگری و از جمله اعتصاب کارگران نساجی قائمشهر، دولت خاتمی و جناح چپ حکومت را در مقابل آزمون مهمی قرار داده است. آن‌چه تاکنون از رفتار این جناح برمی‌آید، تلاش بی‌وقفه در جهت کنترل مبارزات کارگران است. در این زمینه تأکید چندانی، هر چند تنها در حرف نیز، بر روی تشکلهای مستقل کارگری صورت نمی‌گیرد. برعکس، تحت عناوین فریبنده‌ای کوشش می‌کنند که کارگران را تحت فرماندهی و وابستگی خود قرار دهند. یکی از تازه‌ترین این تلاش‌ها، ایجاد حزب اسلامی کار است که از هم‌اکنون آن را به عنوان حزب سراسری و غیردولتی کارگران اعلام می‌کنند. این حزب را قرار است خانه کارگر تشکیل دهد که وابستگی آن به حکومت بر هیچ کس پوشیده نیست و از همین رو نمی‌تواند حزب مستقل کارگری باشد.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد این است که هیچ حزب و گروه سیاسی، هر چند که واقعا نیز گرایش چپ داشته و طرف‌دار کارگران باشد، نمی‌تواند جانشین سازمان‌های سندیکایی کارگران شود. تشکیل سندیکاهای کارگری، به معنای دفاع مستقیم کارگران از حقوق خودشان است و کارگران برای دفاع از حقوق خود در جمهوری اسلامی، به این تشکلهای مثل نان شب نیاز دارند.

جلایی پوره: مسئولین یا پای...

ادامه در از صفحه اول
افکار عمومی بازی کنند و حرکت ژلاتینی داشته باشند. محمداصداق صادقی حصار مدیرمسئول و صاحب امتیاز روزنامه توس در این گردهمایی گفت: اگر همین فردا روزنامه توس منتشر شود، تیر نخست آن این خواهد بود که «توس بازم در خدمت جامعه است». وی گفت: روزنامه توس را ابتدا بستند و بعد دنبال دلیل گشتند. وی با اشاره به توافقاتی که گفته می‌شود در مسورد تعطیلی روزنامه توس صورت گرفته است، گفت: این بسیار بد است که گفته شود با نحوه بستن روزنامه توس توافق شده بود.

وزارت کشور می‌خواهد با «احزاب» سمینار تشکیل دهد، اما

کدام احزاب؟

وزیر کشور در دیدار با هیات موسس انجمن روزنامه‌نگاران زن بار دیگر بر ضرورت ارتباط هرچه بیشتر میان وزارت کشور و «احزاب» و تشکیل «شکل‌ها» تأکید کرد و خبر داد که وزارت کشور طرح سامان‌دهی سیاسی کشور را در دستور قرار داده است. به گفته وی در همین جهت، وزارت کشور به زودی نشست‌هایی را با «احزاب سیاسی» آغاز خواهد کرد. سخنان وزیر کشور آکنده از تجعید از فعالیت احزاب سیاسی و ضرورت تشکیل حزب در کشور بود.

این‌گونه سخنان، که زمانی در جمهوری اسلامی سخنان تازه به شمار می‌آمد، امروز از فرط تکرار، خسته کننده شده است. آقای خاتمی و اعضای کابینه او بیش از یک سال است در وصف احزاب سخن می‌گویند، اما در طی این مدت هنوز یک حزب واقعی در کشور تشکیل نشده است و دولت به غیر از حرف‌های

زیبایی که در این مورد تحویل مردم داده است، گام کوچکی هم در راه تسهیل فعالیت احزاب سیاسی در ایران برنداشته است. آقای خاتمی که خود را موظف می‌بیند حتی به نامه دانش‌آموز خردسال هم پاسخ دهد و روزنامه‌های طرف‌دارش این پاسخ‌ها را با آب و تاب به عنوان نشانه‌های «دولت پاسخگو» بازتاب می‌دهند، در برابر نامه سرگشاده شورای مرکزی سازمان ما در مورد ضرورت آزادی فعالیت‌های سیاسی، سکوت کرد و خود را به ناشنیدن زد و این سکوت همچنان ادامه دارد. این وضعیت در مورد همه احزاب سیاسی واقعاً موجود به همین گونه است. مقامات دولت، احزاب واقعی ایران را خودسرانه نادیده گرفته و از تشکیل احزاب موهوم سخن می‌گویند.

اکنون نیز پرسش این است که وزارت کشور می‌خواهد سمینار خوریزی کلیه، به بیمارستان عملیاتی زیر راهبری می‌کنند: ۱- ستاد مطبوعاتی که به همه نشریات طرفدار سرکوب و تخریب شخصیت‌ها خوراک می‌دهد؛ نشریاتی نظیر کیهان هوایی، صبح، اشارات الحسین و شلمچه حسین شریعتمداری، عمدتاً در این ستاد فعال است.

داده‌اند که همه وابسته به حکومت یا جناح‌های آن هستند. برخی مقامات حکومتی خود نیز باور کرده‌اند که این نمایش عوام‌فریبانه، آزادی احزاب نام دارد و حالا می‌خواهند با این احزاب سمینار تشکیل دهند. در این اقدام هر نیتی نهفته باشد، اما کمک به یک عوام‌فریبی است که گویا در ایران احزاب آزادند. □

کیهان، کانون اصلی توطئه‌ها

انتشار روزنامه، دو ستاد عملیاتی زیر راهبری می‌کنند: ۱- ستاد مطبوعاتی که به همه نشریات طرفدار سرکوب و تخریب شخصیت‌ها خوراک می‌دهد؛ نشریاتی نظیر کیهان هوایی، صبح، اشارات الحسین و شلمچه حسین شریعتمداری، عمدتاً در این ستاد فعال است. ۲- ستاد دوم، به ریاست حسن شایانفر، در دفتر سابق مجله زن روز، واقع در ساختمان موسسه انتشاراتی کیهان، تشکیل شده است. انواع حملات تخریبی، آتش زدن‌ها و انفجارها، از این ستاد رهبری می‌شود. انصار حزب‌الله، بسیاری از فرمانهای خود را، از این ستاد دریافت می‌کنند. امثال علی‌اکبر پرورش (جانشین دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی) مهندس باهنر (عضو هیات رئیسه مجلس و عضو رهبری جمعیت مؤتلفه)، از طریق حسن شایانفر و این ستاد، انصار حزب‌الله و امثال دهنکی و الله کرم را رهبری می‌کنند. سرتیپ نقدی (فرمانده حفاظت اطلاعات نیروهای نظامی)، در ارتباط با حسن شایانفر قرار دارد و اغلب در کیهان با او دیدار می‌کند و هماهنگ می‌شود. حسن شایانفر و حسین شریعتمداری، با نقاب در بازرجویی‌های مدیر، سردبیر و نویسندگان روزنامه توفیق شده‌اند. آنها در اتقاق‌های بازرجویی حرف نمی‌زنند و تنها با اشاره و یا نوشتن سؤال روی کاغذ و دادن آن به دست بازرجو، عملیات بازرجویی را رهبری می‌کنند. آنها، با همین نقاب، در اتقاق‌های شکنجه دستگیرشدگان حضور می‌یافتند و برای نحوه بازرجویی‌ها رهنمود می‌دادند. همان روزهایی که مدیر، سردبیر و نویسندگان روزنامه توس در بازداشت بسر می‌بردند، اعلامیه‌هایی توسط شریعتمداری و شایانفر تهیه و در تهران، اصفهان، قم و مشهد پخش شد. اطلاعات ممدوح در این اعلامیه‌ها، اغلب برگرفته شده از اعتراضات در زیر شکنجه مدیر و نویسندگان توس بود. بر اساس اطلاعات رسیده، شمس الواعظین، در دوره بازداشت و بازرجویی، بعلت

طغیان روزنامه‌نگاران

در میان اهل قلم و روزنامه‌نگاران ایران، موجی از خشم و نفرت به وجود آمده است. این خشم، به گونه‌ای است که بی‌واهمه از همه خطراتی که آنان را تهدید می‌کند، در هر اجتماعی آن را بیان می‌کنند. در این میان، جسارت زندان‌نویسندگانه حیرت‌انگیز شده است. در جریان مجمع عمومی انجمن صنفی مطبوعات، که اعضای آن را عمدتاً روزنامه‌نویسان و قلمزنان بعد از انقلاب تشکیل می‌دهند؛ و بسیاری از آنان عضو انجمن‌های اسلامی و مدافع اسلام ایدئولوژیک هستند، هنگام بحث در باره سهمیه حج روزنامه‌نگاران، خانم صدیقه روستایی (مسئول صفحات خارجی روزنامه قدس) پشت تریبون رفت، اما به جای بحث در باره حج یا پرخاش به حاضران گفت: «ترسوها! همکاران شما در زندان هستند، آنوقت، اینجا شعار می‌دهید، در باره حج صحبت می‌کنید؟». چند تن از ارادل و اوپاش وابسته به روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی، که از اغلب در گروه‌های حمله و تخریب و چماق‌شکشی خیابانی شرکت دارند، به پا برخاستند و او را خائن خطاب کردند. خانم روستایی، فریاد زد: «خفه شوید! همه می‌دانند که شما روزنامه‌نگار نیستید، مامورانیمی هستید». □

۳ خانواده پناهجوی ایرانی در ترکیه اعتصاب غذا کردند

مطابق گزارشی که از ترکیه به دست ما رسیده است، سه خانواده کرد ایرانی در ترکیه همراه با فرزندانشان، در اعتراض به بیاتکلیفی خود، در برابر مقر سازمان ملل در آنکارا تحصن کرده و دست به اعتصاب غذا زده‌اند. بنابر این گزارش، این ۳ خانواده که بیش از دو سال است درخواست پناهندگی‌شان از سوی سازمان ملل در ترکیه پذیرفته شده است، تاکنون به کشورهای پناهنده‌پذیر اعزام نشده‌اند. این عده نزدیک به ۲۰ روز است که تحصن اختیار کرده‌اند. پلیس ترکیه آن‌ها را تهدید کرده که فرزندانشان را جدا خواهد کرد و مسئول سازمان ملل در این کشور نیز از دادن هر گونه قول مساعدی به آنان خودداری کرده‌اند. □

شکست تلاش برای برهم زدن سمینار گفتگوی ایرانی در سوئد

در روزهای شنبه ۱۴ و یکشنبه ۱۵ نوامبر، بنا به دعوت و ابتکار حزب چپ سوئد، یک سمینار گفتگوی ایرانی در استکهلم برگزار شد. روز اول سمینار سخنرانان هر یک پیرامون یکی از مسایل مبرم کشور نقطه نظرهای خود را مطرح کردند. در روز دوم بیژن حکمت از جمهوری خواهان ملی ایران، فرخ نگهدار از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و بابک امیرخسروی از حزب دموکراتیک مردم ایران به ترتیب در پشت تریبون قرار گرفتند و سخنرانی کردند.

در پایان وقت پرسش و پاسخ مربوط به رفیق فرخ نگهدار، یک گروه ۵ نفره از مجاهدین که به سمینار اعزام شده بودند، با دادن شعارهایی به نفع مجاهدین و دشمنان گویایی علیه دیگران، تلاش کردند نظم جلسه را برهم زده و آن را تعطیل کنند. برگزارکنندگان سوئدی جلسه از آنان دعوت کردند به روند گفتگوها بپیوندند و نقطه نظرهای خود را به صورت آرام و مسالمت‌آمیز مطرح کنند. هواداران سایر گروه‌های چپ مثل فدائیان اقلیت نیز با قرار گرفتن در پشت تریبون، عمل اخلاص‌گرایان را محکوم کرده و خواهان ادامه جلسه شدند. انزوای کامل حمله‌کنندگان، آنان را واداشت که جلسه را با شعارهای مرگ بر خاتمی ترک کنند.

در پایان سمینار، فرخ نگهدار مجدداً به پشت تریبون رفت و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همانگونه که تاکنون بارها اعلام کرده است، موافق گسترش فضای بحث و گفتگو میان احزاب سیاسی و برگزاری جلساتی است که در این جهت تشکیل می‌شود. در راستای همین سیاست، شورای هماهنگی سازمان فدائیان خلق ایران در سوئد بسیانیهای منتشر کرد و اخلاص در جلسه سمینار را محکوم نمود. □

سمینار «پیرامون جامعه مدنی در اوضاع کنونی ایران» در دانمارک و مسایل پیرامون آن

سمینار «پیرامون جامعه مدنی در اوضاع کنونی ایران» با شرکت نمایندگانی از ۷ حزب و گروه سیاسی در روزهای ۱۴ و ۱۵ نوامبر در شهر کپنهاک پایتخت دانمارک، برگزار شد. در این سمینار نمایندگانی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران، جمهوری خواهان ملی ایران، سازمان مشروطه‌خواهان ایران، سازمان سوسیالیست‌های ایران، جبهه ملی ایران (فراکسیون متحد) و حزب دموکرات کردستان ایران سخنرانی کردند. در این سمینار که با تدارکی گسترده برگزار شد، خبرنگاری از رادیو آمریکا، بی.بی.سی، اسرائیل، رادیو ۲۴ ساعته ایرانیان و رادیوهای خارجی زبان محلی دانمارک و سوئد حضور داشتند. کمیته برگزارکننده سمینار با استفاده از یک مصوبه مجلس نمایندگان دانمارک، که به منظور مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ضروری دانسته بود از اسپوزیشن دموکرات ایران پشتیبانی می‌شود، قرارهای ملاقاتی را برقرار کرد. □

حسبیت دفاع از ارزش‌ها منحل شد دولت مستعجل گروه‌های فرمایشی

عسر جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی به سر آمد و کار این جمعیت که به ریاست ری شهری وزیر اطلاعات اسبق جمهوری اسلامی تشکیل شده بود، به انحلال کشید. ری شهری کاندیدای این جمعیت در انتخابات ریاست جمهوری از همه نامزدهای دیگر کمتر رأی داشت. با این حال، خامنه‌ای در تشکیل کابینه‌اش سعی فراتر از میزان آرای جمعیت مزبور به اعضای آن اختصاص داد. برخی اعضای کابینه خامنه‌ای در دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی و تحت حمایت ری شهری ترقی کرده‌اند. از اعضای جمعیت دفاع از ارزش‌ها هستند.

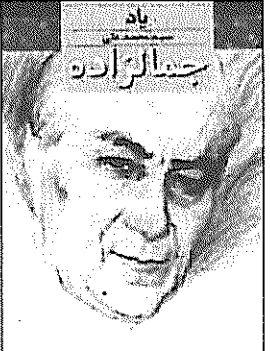
این نخستین بار نیست که یک گروه و دسته حکومتی، دیری از تاسیس آن نگذشته، منحل می‌شود. نخستین حزب حکومتی آن‌ها که حزب جمهوری اسلامی بود نیز به همین سرنوشت دچار شد. در زمان حکومت شاه هم احزاب فرمایشی می‌آمدند و می‌رفتند. حزب ایران نوین، حزب مردم، حزب ایرانیان، حزب رستاخیز و غیره. با یک فرمان شاه، احزاب تشکیل و یک اشاره دیگر منحل می‌شدند. این احزاب، در جامعه ریشه‌ای نداشتند که موجودیتی مستقل از دستور بالا بیابند.

احزاب و گروه‌های نظیر جمعیت دفاع از ارزش‌ها در جمهوری اسلامی برای این به وجود می‌آیند که جای جریانات سیاسی ریشه‌دار در جامعه را که جمهوری اسلامی امکان فعالیت علنی را از آنان گرفته است، پر کنند و به دنیا بگویند که در ایران هم احزاب وجود دارند و آزادند. اما گویی زمامداران حکومت فقها نیز نظیر اسلاف خود در نیسیافته‌اند که دولت گروه‌های فرمایشی مستعجل

احزاب و سازمان‌هایی که منافع و آرمان‌های اقشار معینی از جامعه را نمایندگی می‌کنند، یک‌ساره سبب نمی‌شوند که با نخستین باد خیزان سربگریزان شوند. متقابلاً احزاب و جمعیت‌هایی که به فرمان و دستور شکل می‌گیرند، نمی‌توانند جای جریاناتی را پر کنند که بنا به سناریوهای خود، بنایگاه و جایگاهی اجتماعی دارند. گروه‌هایی مانند حزب جمهوری اسلامی و جمعیت دفاع از ارزش‌ها، تیلور مشترک منافع گذرا و ناپایدار این و آن جبهه حکومتی در یک مقطع معین‌اند و وقتی این اشتراک منافع، جای خود را به رقابت و دشمنی بدهد، همچون جابجای صابون از بین می‌روند.

شاد نزدیک به سه دهه، حزب توده ایران را حزب منحل می‌نامید و در عوض، بدین توهم دچار بود که احزابی مانند ایران نوین و رستاخیز، پایدارند. تاریخ به شاه درس دیگری آموخت. احزاب و سازمان‌هایی که شاه ۲۵ سال همه تلاش خود را صرف ناپودی آنها کرد، مساندند و رستاخیز، به فراموشی سپرده شد. سال‌هاست که حکومت ادامه در صفحه ۱۰

یک سال از درگذشت محمدعلی جمالزاده پدر داستان‌نویسی معاصر ایران گذشت



و بیداد را نکوش می‌کند و علیه خرافات و قیود دست‌وپا گیر می‌نویسد. جمالزاده از نخستین نویسندگان ایرانی بود که در کار خود از ادبیات اروپا الهام گرفت و راه نویی را در داستان‌نویسی ایرانی گشود. اما او در عین حال به سنت‌های نیک ایرانی دلچسپی نشان می‌داد. می‌گفت: «آن چه را مقبول است باید پذیرفت»، اما «چیزی که خردمان خویش را داریم نباید در گرفتن بدش از دیگران این همه حرص و عجله داشته باشیم».

نام جمالزاده با مجموعه داستان‌های کوتاه «یکی بود، یکی نبود» بر سر زبان‌ها افتاد. بسیاری این کتاب جمالزاده را از شاهکارهای ادبیات فارسی می‌دانند. این کتاب، گامی بزرگ در جهت تکامل نثر جدید فارسی در داستان‌نویسی خواننده شد. این کتاب در زمان انتشار، آرا متفاوتی را برانگیخت، اما با گذشت سال‌ها، ارزش‌های آن بیشتر آشکار شد. جمالزاده خود دیباچه‌ای بر «یکی بود، یکی نبود» نوشت و پیرامون شیوه جدید داستان‌نویسی در ایران به بحث پرداخت.

از آثاری که جمالزاده بعدتر منتشر کرد، می‌توان به داستان‌های صحرای محشر، دارالمنجین، سرگذشت عمو حسینعلی، قتلشن دیوان، راداب نام، معصومه شیرازی، سر و ته یک کرباس، کینه و نو و آسمان و ریمان اشاره کرد. در این آثار جمالزاده نگاهی انتقادی به مسایل اجتماعی دارد، ستگر

خبرهای کوتاه

چه کسی کنار خواهد رفت؟

بنا به نوشته روزنامه رسالت، اختلاف در میان مقامات اقتصادی دولت خاتمی، و در واقع بین کارگزاران و جناح چپ حکومت، بسیار بالا گرفته است و ادامه کار بین وزیر امور اقتصادی و دارایی و رییس بانک مرکزی غیرممکن شده است. به نوشته این روزنامه، دکتر نمازی، که جزو نیروهای خط‌امامی دولت است، با ارسال نامه‌ای به رییس‌جمهور، خواهان کناره‌گیری از مسئولیت خود شده است.

محتشمی: کارگزاران استوار نیستند

علی‌اکبر محتشمی، از مشاوران خاتمی، بار دیگر حزب کارگزاران سازندگی را مورد حمله قرار داد و گفت: این آقایان اعتقادی به عدالت اجتماعی و سامان‌دهی اقتصادی ندارند. وی گفت: کارگزاران روی نظریه‌های خود استوار نیستند، به طوری که در انتخابات خبرگان می‌گفتند نباید شرکت کرد و دوستان ما را هم نمی‌کردند، اما در مدت کمتر از دو تا سه روز با چرخش ۱۸۰ درجه در نظر خود، اعلام کردند علاوه بر شرکت در انتخابات، لیست هم می‌دهند. لازم به توضیح است که «این چرخش ۱۸۰ درجه‌ای» بعد از دستور رفسنجانی مبنی بر شرکت در انتخابات پدید آمد.

کارگزاران سازندگی: درست عمل کردیم!

حسین مرعشی، عضو شورای مرکزی و موسس کارگزاران سازندگی، از سیاست این حزب در انتخابات خبرگان دفاع کرد و «هر نوع رابطه‌ای بین فعالیت کارگزاران سازندگی در امر انتخابات خبرگان و پرونده غلامحسین کرباسچی، دبیر کل این حزب را مردود دانست». وی از نیروهای چپ حکومت انتقاد کرد و گفت: یکی از مشکلات دولت آقای خاتمی، توقعات و انتظارات افراد تندرو است که بعضاً در گروه‌های خود نیز در اقلیت هستند. وی گفت: کارگزاران سازندگی افراط و تفریط را به مصلحت کشور نمی‌دانند و تصورشان این است که اعتدال و میانه‌روی و فاصله گرفتن از شعارهای تند و دوری گزیدن از راه‌های آرایه شده توسط گروه‌های تندرو به صلاح کشور است.

باقت فرش پنج هزارمتری در نیشابور

در روستای «باغشن» نیشابور در شمال شرق ایران یک فرش دستباف به مساحت پنج هزار متر مربع که بزرگ‌ترین فرش جهان خواهد بود توسط ۲۰۰ کارگر بافته زن در دو کارگاه تولید فرش و زیر نظر شرکت سهامی فرش ایران در چهار قطعه بافته می‌شود. بافندگان می‌باید در هر ماه ۱۲۵ متر مربع فرش تولید کنند. تاکنون یک سوم این فرش در طی نه ماه به رنگ فیروزدیی و با طرح‌های سنتی ایرانی و مواد قالی با رنگ گیاهی بافته شده‌است.

زمین لرزه شمار زیادی از شهرها را لرزاند

در هفته گذشته شمار زیادی از شهرهای کشورمان که در کانون زلزله قرار دارند با درجات و خسارات مختلف با این بلای طبیعی روبرو بوده‌اند: زمین لرزهای به بزرگی ۴/۷ درجه ریشتر منطقه غربی استان فارس (در جنوب ایران) را تکان داد. پایگاه زلزله‌شناسی شیراز، کانون این زمین لرزه را ۱۲۰ کیلومتری شمال غربی شیراز اعلام کرد. این زمین لرزه در شهرستان‌های شیراز، سپیدان و ممسنی رخ داد و متعاقب آن بخش خنج، واقع در ۲۷۵ کیلومتری جنوب شیراز و ۱۰۵ کیلومتری شهرستان لار با زلزله‌ای به قدرت ۵/۷ درجه ریشتر لرزید که تاکنون چهار کشته و حدود ۸۰ مجروح داشته و خساراتی زیادی به واحدهای مسکونی وارد شده است. ارتباط بخش خنج با لار در گذشته و راه، به علت ریزش کوه قطع شده و عبور و مرور به منطقه زلزله زده از راه فرعی مقدور است. روستای پیگرد، واقع در ۲۰ کیلومتری شرق خنج که دارای سه هزار نفر جمعیت است، بیش‌ترین خسارات را متحمل شد. در همین زمان زمین لرزه‌یسی به قدرت ۵/۶ درجه ریشتر کرمان در شرق ایران را لرزاند زمین لرزهای به قدرت چهار درجه ریشتر منطقه ایذه در اطراف مسجد سلیمان در جنوب غرب ایران را تکان داد. زمین لرزهای به قدرت ۴/۶ درجه ریشتر همان روز «بستان آباد» تبریز را لرزاند.

پاسخی ناشیانه به پرسشی سنجیده!

خواننده‌ای از مسئولان روزنامه سلام پرسیده است: «می‌خواستم خدمتان عرض کنم که اگر فرض کنیم کلاً ۵۰۰ هزار روحانی در جامعه باشد و با در نظر گرفتن این‌که کلیه مشاغل کلیدی مملکت فقط در اختیار این آقایان می‌باشد، فقط یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که چطور می‌تواند روحانی خود را وارث انقلاب می‌داند و بقیه افراد مملکت را لایق هیچ پستی نمی‌داند».

سلام در «پاسخ ویژه» به این پرسش، نخست استدلال کرده است که تعداد روحانیون ۵۰۰ هزار نیست و کمتر از ۱۰۰ هزار است و آن‌گاه ادامه داده است: «از کل این تعداد روحانی، اکثریت عظیم آنان فاقد مشاغل دولتی و اساساً هرگونه اشتغال حکومتی هستند و آن تعداد هم که دارای مناصب و پست‌های حکومتی هستند - از بالاترین مقام تا پایین‌ترین سمت‌ها - اگر در مقایسه با کل مدیران و کارکنان در جمع نهادهای ارگان‌ها و موسسات حکومتی محاسبه کنیم، درصد ناچیزی را تشکیل می‌دهند». در این «پاسخ ویژه» یک واقعیت نادیده گرفته شده است و آن این است که این «درصد ناچیز» نسبت به آن درصد ناچیز روحانیون در کل جمعیت ۶۰ میلیونی ایران، چه درصد بزرگی را تشکیل می‌دهد! آیا می‌توان منکر این واقعیت شد که روحانیون ایران به نسبت درصد خود از جمعیت ایران، سهم بسیار بزرگی از مشاغل دولتی را قبضه کرده‌اند؟

سلام به مثالی که از روحانیان نام بردیم، ما از روزنامه سلام می‌پرسیم: آیا در انتخابات ریاست جمهوری راه دیگری برای مردم باقی گذاردند؟ آیا شرایطی فراهم بود که نمایندگان احزاب و سازمان‌های سیاسی کاندیداهای خود را معرفی کنند؟ آیا از ۲۳۴ نفری که کاندیدای ریاست جمهوری شدند، کسی را اجازه داده‌اند که خود را به رای مردم بگذارد تا معلوم شود که مردم بین نمایندگان روحانیون و یا مثلاً نمایندگان کارگران، نویسندگان و هنرمندان و یا سایر اقشار مردم کدام یک را برمی‌گزینند؟ از آن‌جا که



تیم ملی فوتبال، در امارات متحده عربی اردو زد

اعلام نشده لغو شد و ۲۵ بازیکن ملی پوش به همراه مسئولان تیم اکنون مهمان باشگاه ایرانیان در امارات هستند. پس از پیوستن امارات استیلی به جمع ملی پوشان، صحبت‌هایی پیرامون حضور مجدد عابدزاده و عزیزانی نیز شده است.

شکست استقلال از پیروزی اقدامات امنیتی، رقابت ورزشی را به سایه پرد

مشقان از شب قبل از مسابقه در اطراف استادیوم آزادی حضور پیدا کردند تا بلیط برای ورود به استادیوم را به دست بیاورند.

در سال‌های اخیر رقابت ورزشی استقلال و پیروزی بارها به تشنج کشیده شده است. فدراسیون فوتبال بار دیگر قضاوت این بازی را در اختیار یک داور خارجی گذاشت. داور اهل سوریه برای کنترل بازی بارها به کارت زرد و قرمز متوسل شد. حمید استیلی از پیروزی و علی موسوی مهاجم استقلال از بازی اخراج شدند و به ۹ نفر دیگر کارت زرد نشان داده شد.

رقابت ورزشی دو تیم استقلال و پیروزی - تاج و پرسیوس سابق - در چارچوب جام آزادگان در حضور بیش از ۱۰۰ هزار تماشاگر مشتاق و در میان انبوهی از اقدامات امنیتی برگزار شد. تیم پیروزی توانست در این دیدار با یک گل استقلال را شکست دهد.

مسئولان امنیتی رژیم یک روز پیش از برگزاری مسابقه اقدامات امنیتی را تشدید کردند و هزاران پاسدار لشکر سید الشهدا به تهران چهره کاملاً نظامی دادند. علاوه بر اقدامات فوق برای بیش از ۲۰ هزار پاسدار دستور آماده باش صادر شده بود. با وجود اقدامات امنیتی رژیم در جریان بازی، تماشاگران و پاسداران بارها با یک دیگر درگیر و چندین نفر نیز دستگیر شدند. پس از پایان بازی

جنبش دانشجویی

ونقش آن در

موقعیت کنونی

سیاسی کشور

دادند. نیروی اصلی این شکل دانشجویان خط امامی بودند. آنها در دهه ۶۰ سرکوبگرانه و انحصارطلبانه عمل می‌کردند و در تصفیه دانشگاهها از نیروهای دگراندیش نقش بالایی برعهده داشتند. آنها عنوان کائالهای اطلاعاتی وزارت اطلاعات و ارگانهای گزینش برای تصفیه دانشجویان دگراندیش بودند.

در سالهای دهه ۶۰ که نیرویهای خط امام در حکومت اسلامی نقش دست بالا را داشتند، دفتر تحکیم وحدت به عنوان شاخه و بازوی حکومت در دانشگاهها عمل می‌کرد و در حقیقت از ارگانهای حکومتی در دانشگاهها به حساب می‌آمد. در غیاب نیرویهای چپ و دموکرات که از دانشگاهها رانده شده بودند، آنها توانسته بودند دانشگاهها را به انحصار و تحت کنترل خود درآورند اجازه نمی‌دادند نیرویی خارج از دایره این جریان در دانشگاهها پا بگیرد. همه فعالیتها، از جمله فعالیتهای صنفی و فوق برنامه دانشجویی در سیطره دفتر تحکیم وحدت بود. آنها در این سالها نقش سیاسی در دانشگاهها بازی کردند و ما همواره گفتمان انتقاد از این نقش، یکی از اساسی‌ترین گام‌هایی است که دانشجویان را متقاعد می‌سازد که آنها واقعا تغییر کرده‌اند.

از سال ۶۸ بعد با تغییراتی که در صحنه سیاسی کشور ایجاد شد و به روی کار آمدن دولت رفسنجانی و قدرت گرفتن جناح رسالت از یکسو و از سوی دیگر رانده شدن خط امامیها از قوه مجریه و قضائیه و سپس قوه مقننه منجر گردید، دفتر تحکیم وحدت نیز زیر فشار قرار گرفت و تضعیف شد. با این وجود این نیرو توانست برخلاف سایر نیروهای خط امامی، موقعیت خود را تا حدودی حفظ کند و بعنوان منسجم‌ترین شکل در دانشگاهها به حیات خود ادامه دهد. چنانچه رسالت و رفسنجانی برای کنترل دانشگاهها، در صدد ایجاد شکل دانشجویی وابسته بخود برآمدند و تشکیلات «جامعه اسلامی دانشجویان» را از دانشجویان هوادار خود به وجود آوردند. ولی این جریان نتوانست در بین دانشجویان هوادارانی بیابد و نفوذی کسب کند. بخشی از آن

جنبش دانشجویی در موقعیت کنونی سیاسی کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. در شرایط عدم حضور فعال احزاب سیاسی اپوزیسیون در داخل کشور و نبود تشکیلاتی دموکراتیک و صنفی، مطبوعات مستقل و منتقد و جنبش دانشجویی به دو نیروی عمده مبارزه برای اصلاحات سیاسی و مقاومت در برابر ارتجاع در یکسال و نیم اخیر تبدیل شده‌اند. مطبوعات مستقل و منتقد در مبارزه علیه نیروهای ارتجاعی و خنثی‌کردن توطئه‌های آنان نقش مهمی بازی می‌کردند و به همین خاطر جناح حاکم تعرض وسیعی را علیه این دسته از مطبوعات سازمان داد و بخشی از آنها را تعطیل کرد.

هم‌زمان با سرکوب مطبوعات مستقل و منتقد، تلاش‌های وسیعی برای از پای انداختن جنبش دانشجویی آغاز شده است. خامنه‌ای همانگونه که در مورد مطبوعات عمل کرد، فرمان حمله به دانشگاهها را نیز صادر نمود و جناح ارتجاعی با نقشه‌ها و توطئه‌های متعدد در صدد اجرای آن فرمان برآمده‌اند. آخرین نقشه آنان، تصویب طرح بسیج دانشجویی است.

نگاهی به سابقه جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی در ایران، برخلاف آنچه که امروز بسیاری از نیروهای مذهبی در دانشگاهها تبلیغ می‌کنند، از سابقه و تاریخی طولانی و درخشان برخوردار است. این جنبش صرفنظر از وقتهایی که در حیاتش بوجود آمده است، همواره در صحنه سیاسی کشور حضور داشته و نقش پیشرو و مترقی داشته است. در رژیم شاه، گرچه نقش نیروهای ملی و مذهبی در جنبش دانشجویی قابل توجه بود، ولی نیروی اصلی این جنبش را همواره نیروی چپ تشکیل می‌داد. با پیدایش سازمان فدائیان خلق در اواخر سال ۴۹، نیروی جنبش چپ در دانشگاهها افزایش یافت. بطوری که در دوران انقلاب و نخستین سال پس از آن تا سرکوب جنبش دانشجویی، دانشجویان چپ، یکی از عمده‌ترین نیرو در دانشگاههای کشور بودند. حکومت اسلامی که به شدت از نفوذ نیروهای چپ در دانشگاهها واهمه داشت، دانشگاههای کشور را به بهانه انقلاب فرهنگی چندین سال پست و بسته تصفیه وسیع و بی‌سابقه‌ای روی آورد. مرتجعین موفق شدند به دنبال این تصفیه خونین دانشگاهها را از دانشجویان و استادان چپ خالی ساخت و انجمن‌های اسلامی وابسته به رژیم حاکم بر دانشگاهها شدند.

بعد از گشایش مجدد دانشگاهها، انجمن‌های اسلامی که در اشغال سفارت آمریکا در سال ۵۸ نقش داشتند، دفتر تحکیم وحدت را بعنوان شکل سراسری دانشگاههای کشور تشکیل

وضعیت کنونی

جنبش دانشجویی

در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی، رشد کمی در دانشگاههای کشور بی‌سابقه بود. اکنون رقم دانشجویان به حدود یک میلیون و دو صد هزار نفر رسیده است. در چنین شرایطی خواه ناخواه میزان تاثیرگذاری دانشجویان و جنبش دانشجویی در سطح کشور بطور قابل توجهی افزایش یافته است.

جنبش دانشجویی از یکسو با گسترش دانشگاهها و افزایش تعداد دانشجویان می‌تواند وسیعاً آگاهی سیاسی را به لایه‌های مختلف اجتماعی و به مناطق دور دست انتقال دهد و از سوی دیگر از زندگی و مبارزات اقشار مختلف و به ویژه پایین جامعه تاثیر پذیرد. به همین خاطر و بنا به عللی که قبلا اشاره شد، جنبش دانشجویی در شرایط کنونی نقش ویژه و بس مهمی در صحنه سیاسی کشور پیدا کرده است. جنبش دانشجویی در یک سال و نیم گذشته در مواردی نقش پیشرو را در طرح شعارها و خواسته‌های سیاسی ایفا کرده و در مواقع نقش سازمانگرانه در دفاع از دستاوردهای مردم داشته است. با این حال تا آنجا که این جنبش تحت تاثیر فعالیتها و مواضع دفتر تحکیم وحدت بوده است، همواره از وابستگی به دولت خاتمی رنج برده و نتوانسته به مثابه جنبشی کاملاً مستقل و غیردولتی برآمد کند.

اما جنبش دانشجویی به ویژه بعد از دوم خردادماه تنها مخصص «دفتر تحکیم وحدت» نیست. در یک سال و نیم اخیر، دانشجویان با گرایشهای مختلف فکری و سیاسی به فعالیت صنفی و سیاسی روی آورده‌اند ولی آنها هنوز نتوانسته‌اند شکل مستقل خود را بوجود بیاورند. نه در جامعه شرایط مساعدی برای این گونه شکل‌های مستقل وجود داشته است و نه در دانشگاه دفتر تحکیم وحدت که خود را مدافع آزادی‌های سیاسی اعلام کرده است، حاضر شده است راهی برای فعالیت‌های علنی دانشجویان دگراندیش هموار سازد.

در حال حاضر ادامه حیات جنبش دانشجویی

به تدریج از رفسنجانی و جناح رسالت فاصله گرفت و بعد از انتخابات دوم خرداد ماه موضع خود را تغییر داد و به دفاع از جامعه مدنی و آزادیهای سیاسی برخاست.

در درون دفتر تحکیم وحدت همانند «نیروهای وابسته به خط امام» تحولات فکری و سیاسی بعد از رانده شدن از قدرت، پیش رفت. این پار آنها بودند که خود را در معرض فشار و گاه سرکوب جناح حاکم می‌دیدند. موقعیت جدید، به آنها فهماند که سرکوب تنها شامل نیروهای اپوزیسیون نیست و دامن آنها را نیز گرفته است و فقط در سایه وجود آزادی‌های سیاسی در کشور می‌توانند به حیات خود ادامه دهند. تحولات فکری و سیاسی در بین دانشجویان سریع‌تر از دیگر نیروهای خط امام پیش رفت. دانشجویان نقش بالایی را در جریان دوم خرداد ایفا کردند.

روندهای بعد از دوم خردادماه، به فعال شدن دانشجویان در عرصه مسائل صنفی و سیاسی شتاب بخشید. آنها برای رسیدن به خواستههای صنفی خود به حرکات اعتراضی متعددی دست زدند و در صحنه سیاسی کشور حضور فعالانه‌تری پیدا کردند و با راه‌انداختن تظاهرات و برپایی اجتماعات در مقابل تعرضات نیروهای ارتجاعی ایستادند و از آزادی‌های سیاسی دفاع نمودند.

حائز اهمیت زیادی است. اگر ارتجاع بتواند صدای اعتراض دانشجویان را بخواباند، مقاومت آنان را بشکند و سنگر دانشگاهها را تصرف کند، بدون تردید راه او برای برگرداندن جامعه به وضع پیش از دوم خردادماه سهل تر خواهد شد.

پیشنهادات ما

برای بالا بردن توان ایستادگی و مقاومت جنبش دانشجویی و ادامه حیات آن پیشنهاد می‌کنیم که:

- دانشجویان هرچه بیشتر از وابستگی سیاسی و مالی مبارزه و فعالیت‌های خود به حکومت اسلامی بکاهند، استقلال عمل پیشه کنند و برای ایجاد تشکیلات مستقل دانشجویی مبارزه کرده و خود را به این یا آن جناح حکومتی و یا به این یا آن فرد وابسته نکنند.

- دفتر تحکیم وحدت بپذیرد که دانشگاهها نمی‌توانند و نباید در انحصار آن قرار گیرند. در بین دانشجویان، گرایش‌های متعدد فکری و سیاسی وجود دارد و آنها باید حق حیات و حق تشکلی داشته باشند. دفتر تحکیم وحدت نباید مانعی در مقابل آنها بوجود آورد و باید از حق صنفی و سیاسی آنها دفاع کند.

- تقویت صفوف جنبش دانشجویی به همکاری و اتحاد عمل همه گرایش‌های سیاسی - فکری موجود احتیاج دارد. باید از تنگ‌نظری اجتناب کرد و راه همکاری و اتحاد عمل را در پیش گرفت.

- در حال حاضر پیوند محکمی بین جنبش دانشجویی و حرکات اعتراضی مردم از جمله جنبش کارگری وجود ندارد. اگر جنبش دانشجویی در محدوده دانشگاهها باقی بماند و با اعتراضات مردم پیوند نیابد، از میزان تاثیرگذاری آن در سطح جامعه کاسته خواهد شد. پیوند با مردم و جنبش اعتراضی آنها، به جنبش دانشجویی قدرت و توان بالایی را خواهد بخشید.

- جنبش دانشجویی باید در مقابل استقرار نیروی بسیج در دانشگاهها بایستد و این نیرو را منزوی و طرد سازد.

- دانشجویان باید فضای بحث آزاد سیاسی و تبادل فکری را در دانشگاهها دامن زنند و بر انحصارگری نقطه اختتام بگذارند.

- شعارهای جنبش دانشجویی نمی‌تواند از شعارهای عمومی مردم ایران جدا باشد و نیست. دانشجویان باید مبارزه برای آزادی‌های سیاسی، آزادی فعالیت احزاب سیاسی و تشکلیهای دموکراتیک دانشجویی و کارگری، آزادی فعالیت روزنامه‌ها و مطبوعات و بیان و قلم را در صدر خواسته‌های خود قرار دهند و جنبش خود را پیرامون این خواسته‌ها به طور مستقل سازمان دهند. □

دفتر تحکیم وحدت:

جناح راست حکومت مانع مشارکت مردم در انتخابات شوراهاست

نظارت متشکل از عناصر تند یک جناح خاص که شایه امکان حذف کاندیداهای دیگر جناح‌ها را به ذهن می‌آورد، ابزار نگرانی نبوده، به این جناح توصیه می‌نماید، با حذف رقابت موجب نشود عدم مشارکت بیش از ۵۵ درصد مردم در انتخابات خبرگان رهبری تکرار گردد.

در بخش دیگری از بیانیه تحکیم وحدت، حملات اخیر به دفتر تحکیم وحدت دیگری از تقابل ماثبه بخش دیگری از تقابل هماهنگ و برنامهریزی شده با رشد پروژه جامعه مدنی دانسته شده است.

در همین حال برخی از روزنامه‌های تهران خبر داده‌اند گروهی از نمایندگان مجلس طرحی به نام طرح «تشکلیهای اسلامی در دانشگاهها» را در دست تهیه دارند، که هدف آن محدود ساختن بازهم بیشتر فعالیت‌های دانشجویی مستقل و مخالف با جناح حاکم می‌شود. جزئیات این طرح هنوز به روزنامه‌ها راه نیافته است. □

سپاه پاسداران در دانشگاهها پایگاه نظامی تشکیل می‌دهد

کسانی که به دفاع از این قانون سرکوبگرانه پرداختند، هاشمی رفسنجانی بود.

تصویب این قانون واکنش‌های اعتراضی شدیدی در بین دانشجویان دانشگاههای کشور برانگیخته است. دانشجویان به حضور نیروهای مسلح در هر شکل و لباس و به هر بهانه در دانشگاهها مخالف هستند. اعتراضات دانشجویان در برخی از روزنامه‌های مجاز بازتاب یافت. آنان می‌گویند: بسیج یک مجموعه نظامی است و دولت باید دست سپاه و بسیج را از دانشگاهها کوتاه کند.

در بیانیه دفتر تحکیم وحدت، قانون توسعه بسیج دانشجویی، ترویج نظامی‌گری برای مقابله با جو علمی، فرهنگی و سیاسی دانشگاهها از زیبایی شده است. یکی از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشکده فنی دانشگاه تهران در گفتگو با روزنامه سلام اظهار داشت که با اجرای این قانون اعتراضات دانشجویان اوج خواهد گرفت و سپاه و بسیج منزوی‌تر خواهند شد. □

اجرای قانون را در سال ۱۳۷۷ از ردیف تقویت بنیه دفاعی ۵۰۳۰۴۱ سمرانه بسیج دانشجویی و از ردیف بودجه فرهنگی و پژوهشی دانشگاهها تأمین و برای سال‌های بعد به لحاظ خاصی در لایحه بودجه، این اعتبار را تأمین کند.»

پس از تصویب قانون توسعه بسیج در دانشگاهها، رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: استراتژی سپاه پیش‌بینی و پیش‌گیری در برابر توطئه‌هاست. بیان روشن سخنان صفوی آن است که حضور نیروهای مسلح سپاه در هیات بسیج دانشجویی در دانشگاهها دایمی خواهد بود تا به محض آن که سر و صدای دانشجویان علیه استبداد و اختناق سیاسی و فرهنگی حاکم بلند شد، آنان را سرکوب کند و به سپاه پاسداران بدهد تا هرچه سریع‌تر دانشگاهها را به پادگان‌های نظامی تبدیل کند. در تفسیر ۵، درباره تأمین هزینه‌های اجرای این قانون آمده است: «وزارت‌خانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند اعتبار مورد نیاز

دانشگاه آزاد و مسئول سازمان بسیج دانشجویی نیروی مقاومت بسیج به عنوان دبیر شورا، عضویت دارند. تشکیلات مشابهی در هر یک از دانشگاهها با عضویت فرمانده بسیج منطقه و مسئول نمایندگی ولی‌فقیه تشکیل می‌شود. بر اساس تبصره ۳ این قانون، مسئول بسیج دانشجویی هر دانشگاه، موسسه و یا مرکز آموزش عالی عضو شورای فرهنگی و انضباطی آن دانشگاه خواهد بود. در تصویب و اجرای قانون، نظامی کردن دانشگاهها، نمایندگان مجلس چنان شتاب داشتند که حتی بحران مالی رژیم را نادیده گرفتند و دولت را موظف ساختند از بودجه فرهنگی و پژوهش دانشگاهها کسر کند و به سپاه پاسداران بدهد تا هرچه سریع‌تر دانشگاهها را به پادگان‌های نظامی تبدیل کند. در تفسیر ۵، درباره تأمین هزینه‌های اجرای این قانون آمده است: «وزارت‌خانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند اعتبار مورد نیاز

«بسیج» باید از دانشگاهها...

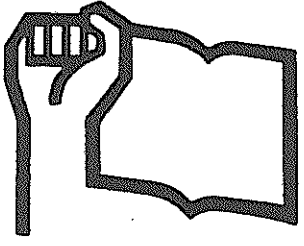
ادامه از صفحه اول

دانشگاهها تجارب بسیار و خاطرات تلخی دارد. رژیم شاه نیز مانند رژیم جمهوری اسلامی در اشکال مختلف می‌کوشید جنبش دانشجویی را تحت کنترل درآورد و سرکوب کند، و مانند جمهوری اسلامی، سلاح اصلی آن رژیم، رسوخ دادن ارگان‌های سرکوب به دانشگاهها بود. خبرچین‌های ساواک را در هیات دانشجوی به دانشگاهها می‌فرستادند. گارد را در دانشگاه مستقر می‌کردند، اما در نهایت، همه تلاش‌های رژیم شاه علیه جنبش دانشجویی به شکست انجامید. جنبش دانشجویی در سرنگونی حکومت پهلوی نقشی مؤثر ایفا کرد. بسیاری از سازمان‌های سیاسی چپ و آزادخواه امروز، از یک ربع قرن جنبش دانشجویی ۳۲ تا ۵۷ فرار و پویه‌اند.

اینکه حکومت جمهوری اسلامی تا چه حد در سرکوب، کنترل و یا لاقل خنثی کردن جنبش دانشجویی موفق شود، به حد آگاهی و تشکلی مستقل این جنبش بستگی دارد. هر چند حکومت فقها با تصفیه خونین دانشگاهها، با اعمال گزینش غیردرسی و ترویج روحیه فردگرایی و سیاست‌گریزی در دانشگاهها، زمینه‌های نامساعدی برای گسترش و اعتدالی جنبش دموکراتیک دانشجویی ایجاد کرده بود، سال‌های اخیر نشان داده که با همه این تشبیهات، جنبش دانشجویی همپای نهضت عمومی مردم، بومی خیزد و نقشی فعال بر عهده می‌گیرد. اکنون بر آگاه‌ترین فعالان دانشجویی است که اهداف واقعی توطئه «بسیج دانشجویی» را در یابند و به اعتراض علیه آن برخیزند. بر پیشقراولان جنبش دانشجویی است که به همه دانشجویان بگویند بسیج دانشجویی برای این تقویت نمی‌شود که آمادگی دفاعی کشور را بالا برد، بلکه هدف آن صرفاً جلوگیری از آزاداندیشی و تشکلی مستقل در دانشگاههاست.

مبارزه علیه این توطئه جدید، تنها یک مبارزه سیاسی نیست، بلکه مستقیماً به منافع صنفی همه دانشجویان مربوط می‌شود. دانشجویان باید بی‌سند که امور فرهنگی دانشگاه را چه کار به وزارت دفاع که منتصین آن از این پس در شورای فرهنگی هر موسسه آموزش عالی عضویت خواهند داشت. نظامی کردن محیط دانشگاه، تعرض به حقوق همه دانشجویان است، اعم از اینکه فعال سیاسی باشند یا نه. اخراج بسیج از دانشگاهها، می‌تواند در ماه‌های آینده به یکی از خواسته‌های جنبش دانشجویی کشور تبدیل شود. □

نگاهی به زمینه‌های پیدایش و فعالیت‌های سازمان دانشجویان پیشگام ایران



رهبری آن، تقریباً تمامی تصمیمات اساسی حتی پیرامون نحوه ادامه فعالیت این سازمان دانشجویی، در رهبری سازمان چریک‌های فدایی خلق و بعدتر در سازمان فداییان خلق (اکثریت) اتخاذ می‌شد. از آن جمله است تصمیم به تشکیل جوانان پیشگام و یا تشکیل سازمان جوانان فدایی و یا اتخاذ سیاست در قبال جمهوری اسلامی و غیره.

سازمان دانشجویان پیشگام که پس از انشقاق سازمان چریک‌های فدایی خلق به اقلیت و اکثریت، در سطوح رهبری، تماماً در سمت اکثریت قرار گرفت، از نظر سیاسی تفاوت‌های معینی با رهبری سازمان داشت که اینجا و آنجا خود را به گونه‌ای بازتاب می‌داد. به طور مثال دانشجویان پیشگام مدتی از توزیع بیانیه سازمان در مورد تسخیر سفارت آمریکا خودداری کردند و تلاش کردند بیانیه خود را منتشر کنند.

سازمان دانشجویان پیشگام در تهران،



رفیق رضی‌الدین تابان، از نخستین موسسین سازمان دانشجویان پیشگام

با نزدیک شدن انقلاب، نوع و ابعاد فعالیت، نحوه تشکیل و مبارزه دانشجویان کیفیت و اشکال جدیدی به خود گرفت.

تشکیل سازمان دانشجویان پیشگام

بین دانشجویان هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق که به تدریج نیرومندتر شده و کمیته بسیار بزرگی را در مراکز آموزش عالی تشکیل می‌دادند، در گذر از مخفی‌ترین اشکال فعالیت به مبارزه علنی، ارتباطات گسترده‌ای شکل گرفت. اقداماتی از قبیل برگزاری جلسات سخنرانی، تشکیل نمایش‌گاه‌های عکس از شهیدان سازمان در دانشگاه علم و صنعت و دانشکده فنی تهران و برخی شهرستان‌ها و روابطی که در جریان سال‌ها برنامه‌های کوه‌نوردی پدید آمده بود، کمک موثری به شکل‌گیری ارتباطات علنی و سازمان‌دهی‌های جدید کرد. به تدریج ارتباطات یک طرفه و به‌تدریج دو طرفه این محافل دانشجویی با اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق، اشکال منظم‌تر و گسترده‌تری یافت. آزادی بیش از ۱۰۰۰ تن از زندانیان سیاسی در آبان‌ماه ۱۳۵۷ از زندان، حرکت‌های دانشجویی را توان کیفی مضاعفی بخشید.

در دی ماه ۵۷، فعالیت متشکل دانشجویان هوادار جنبش فدایی تحت عنوان سازمان دانشجویان پیشگام ایران اعلام شد.

در آستانه انقلاب از جمله دیگر گروه‌ها و سازمان‌های دانشجویی که در دانشگاه‌ها حضور داشتند، می‌توان از دانشجویان مسلمان هوادار «جنبش ملی مجاهدین»، انجمن اسلامی دانشجویان، سازمان دانشجویان دمکرات (هواداران حزب توده ایران در دانشگاه)، راه آزادی طبقه کارگر و دیگر جریان‌ها موسوم به خط ۲۳ نام برد.

ایستادگی دانشجویان پیشگام

در برابر ارتجاع مذهبی

پس از انقلاب، دانشجویان پیشگام در تمام مراکز آموزش عالی ایران فعالیت عمدتاً سیاسی خود را سازمان دادند و با اقبال گسترده دانشجویان روبرو شدند، به گونه‌ای که به یکی از سه نیروی اصلی در سطح مراکز آموزش عالی کشور تبدیل شدند. این موقعیت خود را در اولین و تنها انتخابات آزاد شوراهای دانشجویی کشور در نیمه اول سال ۱۳۵۸ نشان داد که نمایندگان پیشگام در بسیاری از مراکز آموزش عالی، حتی جلوتر از نمایندگان تشکل حکومتی انجمن اسلامی دانشجویان، آرا نخست را به خود اختصاص دادند.

رهبری متمرکز دانشجویان پیشگام عمدتاً از دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز عالی بزرگ تهران، شکل گرفت. از جمع موسس دانشجویان پیشگام، رفقا رضی‌الدین تابان و علی‌رضا اسکندری (شاپور)، بعدها به دست درخشان جمهوری اسلامی اعدام شدند.

عرصه فعالیت دانشجویان پیشگام بسیار گسترده بود و در بسیاری موارد به عنوان یک حزب سیاسی تمام عیار عمل می‌کرد و به طور مثال در زمینه فعالیت‌های کارگری، کار توده‌ای در تشکل‌های محلی و... سازمان‌دهی‌های ویژه‌ای انجام می‌یافت که این از نقطه ضعف‌های اساسی حرکت‌های پیشگام را تشکیل می‌داد. با وجود پایگاه گسترده دانشجویی پیشگام و توانایی نسبی کادرهای

حرکت‌های توده‌های مردم بود. از سال ۱۳۴۶ فعالیت‌های صنفی - سیاسی در محیط‌های دانشجویی افزایش چشم‌گیری یافت و تشکل‌های صنفی متعددی در قالب انجمن‌ها و امور صنفی دانشجویی، فعالیت‌های فرهنگی «فوق برنامه»، کتاب‌خانه دانشجویی، گروه‌های ورزشی بویژه کوه‌نوردی و... شکل گرفت که در پایان سال‌های دهه ۴۰ شمسی از نظر گستردگی به اوج خود رسید. این تشکل‌ها هم به مثابه سازندگان فعال جنبش دانشجویی و هم به مثابه پیوند و ربط‌دهنده فعالین و فعالیت سیاسی با توده دانشجویان، عملکرد داشت. نبود امکان فعالیت علنی احزاب، جنبه سیاسی فعالیت‌های صنفی - سیاسی دانشجویی را افزایش می‌داد. در این سال‌ها در فعالیت‌ها و مبارزات دانشجویی، دانشجویان مذهبی نیز حضور داشتند اما تقریباً در تمام حرکت‌های دانشجویی رهبری فکری و سازمان‌گری برعهده نیروها و محافل چپ و غیرمذهبی بود.

جنبش دانشجویی در اوج

پس از ۱۹ بهمن سال ۴۹ و با شروع مبارزه مسلحانه، حرکت‌ها و جنبش‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها اوج بی‌سابقه‌ای یافت. از همان اولین روزهای آغاز دهه ۵۰، اعتصابات و اعتراضات سراسری دانشجویان در مخالفت با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و اعدام مبارزین سیاه‌کل که منجر به یورش گارد شهربانی به همه دانشگاه‌های بزرگ شد، طلیعه یک دهه



محوطه مقابل دفتر مرکزی سازمان دانشجویان پیشگام، بعد از اشغال این مرکز به دست عوامل رژیم. هزاران اعلامیه بر زمین مانده است. یک مامور امنیتی رژیم با ماسک ضدگاز و مسلسل به یک دانشجو حمله کرده است.

پرجدال و جنگ و گریز در دانشگاه‌ها بود. فقط در یک روز حدود ۱۶۰۰ دانشجو دستگیر شدند. از آن پس تا مقطع انقلاب بهمن، تقریباً در هیچ مرکز آموزش عالی هیچ نیم‌سال تحصیلی بدون تظاهرات و اعتصاب طی نشد. چندین نیم‌سال تحصیلی در دانشگاه‌های مختلف به تعطیلی کشانده شد. دانشجویان در برابر حملات گارد ویژه سرکوب، به مقابله پرداختند. شکنجه و زندانی شدن، حتی فقط به جرم کوه‌نوردی و فعالیت‌های فوق‌برنامه، محرومیت موقت از تحصیل، اعزام به سربازی و... جزو رویدادهای روزمره در محیط‌های آموزش عالی شد.

موقعیت، روحیات، مسایل و روندهای این فصل از تاریخ جنبش دانشجویی به مثابه بخشی از تاریخ دهه‌های اخیر تاریخ کشور، نیاز به بررسی و تحقیق ویژه دارد.

جنبش امروزی دانشجویی ایران، از تاریخ غنی و سراسر فعالیت و مبارزه جنبش دانشجویی در سال‌های دورتر، بسیار چیزها می‌تواند بیاموزد و در پیکار دشوار خود برای آزادی از آن بهره‌گیرد. در سالگرد ۱۶ آذر، روز دانشجو، مروری داریم بر روند شکل‌گیری بزرگترین و متشکل‌ترین سازمان دانشجویی ایران، سازمان دانشجویان پیشگام، پیش از یورش همه‌جانبه عوامل سرکوبگر جمهوری اسلامی به دانشگاه‌های کشور.

۱۶ آذر چگونه پدید آمد؟

جنبش دانشجویی در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد، شکست جنبش ملی و سرکوب حزب توده ایران، با فراز و فرودها، حرکت‌ها و جنب و جوش‌های مقطعی و وقفه‌های طولانی به حضور و حیات خود در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ادامه می‌داد.

در ۱۶ آذر سال ۳۲، کمتر از ۵ ماه بعد از کودتای دربار - آمریکایی ۲۸ مرداد، دانشجویان به اعتراضی سنگین علیه بازدید نیکسون معاون رئیس‌جمهور آمریکا دست زدند. این اعتراض با سرکوب خونین مواجه شد و سه تن از دانشجویان، دو دانشجوی توده‌ای شریعت رضوی و بزرگ‌نیا و یک دانشجوی وابسته به نهضت ملی احمد قندچی، در جلوی دانشکده فنی دانشگاه تهران به ضرب گلوله سربازان حکومت کودتایی شاد کشته شدند. از آن پس یادآوری هر ساله این روز به عنوان

رژیم به دانشگاه‌ها و دانشجویانی که از خانه خود دفاع می‌کردند، آغاز شد.

دانشجویان پیشگام پس از چند روز مقاومت که طی آن چند صد دانشجو به شدت زخمی شدند، برای اجتناب از جاری شدن حمام خون، صبح‌گاه روز جمعه و قبل از آغاز نماز جمعه که طی آن توطئه تحریک جمعیت نمازگذار برای حمله به دانشگاه‌ها تدارک شده بود، دفاتر خود در دانشگاه‌های تهران را تخلیه کردند. اما در



یکی از تظاهرات دانشجویان پیشگام در سال ۱۳۵۸. با هر فراخوان دانشجویان، ده‌ها هزار نفر در خیابان‌های تهران به راه پیمایی می‌پرداختند

دانشگاه گیلان متأسفانه ۳ تن از دانشجویان دست اوباش رژیم کشته شدند. فاجعه بزرگتر در اهواز بود که به تحریک و توطئه مستقیم آیت‌الله جنتی، جنبانی هولناک صورت گرفت. جنتی بخشی از شرکت‌کنندگان در نماز جمعه را با دروغ‌یابی به حمله به دانشجویان پیشگام و صحن دانشگاه اهواز فراخواند. در حمله این افراد سه تن از دانشجویان در همان محل کشته شدند. سه فدایی خلق که در دانشگاه دستگیر شده و به تالار شهرداری اهواز برده شدند، جلوی چشم صدها تن از دیگر دستگیرشدگان به گلوله بسته شدند. مهناز معدودی در صحن دادگاه انقلاب اهواز آماج گلوله آدم‌کشان رژیم قرار گرفت و کشته شد. شش تن دیگر از دستگیرشدگان در محل دانشگاه اهواز از جمله دکتر نریمسا مدتی بعد تیرباران شدند.

پس از تعطیل دانشگاه‌ها، سازمان دانشجویان پیشگام همراهِ با سازمان دانش‌آموزان پیشگان در سازمان جوانان فدایی خلق اقدام شدند و به این گونه به فعالیت مستقل خود پایان دادند. در مورد درستی این تصمیم، باید بحث جداگانه‌ای را سازمان داد. کادرهایی که در جنبش دانشجویی ایران پرورش یافتند، بعدها در سازمان جوانان فدایی، در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به پیکار برای دموکراسی و سوسیالیسم ادامه دادند و بسیاری از آنان در این مبارزه دشوار به شهادت رسیدند.

در سالگرد شانزده آذر، به خاطره همه این قهرمانی‌ها و قهرمان‌ها درود می‌فرستیم و بار دیگر یاد همه رفقای شهیدی که پیشگام سازمان‌دهی و پیش‌برد مبارزه دانشجویان پیشگام بودند از جمله رفقا مرتضی میثمی دبیر سازمان جوانان پیشگام، احسن ناهید، شهروار ناهید و نادر ایازی دانشجویان پلی تکنیک تهران، پیروز احیا دانشجویی دانشگاه علم و صنعت ایران، خسرو رجیبه شایان دانشجویی دانشکده علوم دانشگاه تهران و ده‌ها دانشجویی را که در سال‌های گذشته در راه سربلندی ایران و پیروزی مردم ایران جان باختند، گرامی می‌داریم.

چندین تظاهرات چند ده هزار نفری و نیز اجتماعات وسیع علیه انحصارطلبی و سرکوب‌گری در حال گسترش سازمان داد و پیرامون مسایل آموزشی و اداری در مراکز آموزش عالی کشور، طرح‌های روشنی ارائه کرد. تحصن در دادگستری تهران به دنبال دستگیری جمعی از فدائیان در آبادان، راه‌پیمایی در خیابان‌های شهرهای مختلف کشور به ویژه تهران در اعتراض به کشتار مخفیانه توماج، واحدی، مخدوم و جرجانی رهبران خلق ترکمن و افشای جنایات و توطئه‌های متعددی که اینجا و آنجا صورت می‌گرفت، برخی از اقدامات دانشجویان پیشگام در این دوره را تشکیل می‌دهد.

تا پیش از یورش به دانشگاه‌ها، نشریه نبرد دانشجو به عنوان ارگان سازمان دانشجویان پیشگام انتشار یافت.

بدون شک مقابله دانشجویان پیشگام با یورش قداره‌بندان رژیم به دانشگاه‌ها در اردیبهشت ۱۳۵۹، که با سازمان‌دهی ارگان‌های امنیتی در حال شکل‌گیری رژیم و شرکت انجمن‌های اسلامی دانشجویان وابسته به حکومت صورت گرفت، فصلی درخشان از مبارزه مردم ما برای دموکراسی و مقابله با استبداد فقهانی را شکل می‌دهد. سرکوب جنبش دانشجویی به مثابه مهم‌ترین و نخستین سنگر دفاع از آزادی و تشکل‌های مستقل و به عنوان سراغ سرکوب همه تشکل‌های غیرحکومتی در دستور کار رهبران جمهوری اسلامی و شخص خمینی قرار گرفت. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی فریاد می‌کشید همه مصائب ما از دانشگاه‌هاست و بدین سان حمله به دانشگاه‌ها و تصرف آنها، که تعطیلی چند ساله همه مراکز عالی و اخراج بیش از ۲۰ هزار نفر از دانشجویان را به دنبال داشت، طراحی شد.

دانشجویان پیشگام تصمیم گرفتند ضمن اجتناب از درگیری و جلوگیری از وقوع اتفاقات ناگوار، تا حد ممکن در حریم خانه خود، دانشگاه بمانند و با توطئه‌ها مقابله کنند. هم‌زمان در سراسر کشور یورش قداره‌بندان

در جهان کتابخانه

کتاب‌های غیرمجاز در بساط کتابفروشی‌ها

سانسور رسمی و غیررسمی حاکم بر انتشار کتاب که حتی به تصدیق همه گزارشاتی که در روزنامه‌های مجاز ایران به چاپ می‌رسد، یکی از دلایل عمده رویگردانی مردم از کتابخوانی عنوان می‌شود، نه در سیاست‌های رسمی دولت، بلکه بطور زیرزمینی، بیشتر سست می‌شود. این روزها بازار کتاب‌های غیرمجاز رونق گرفته و در بساط دستفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران می‌توان کتاب‌هایی را یافت که حکومت اجازه انتشار آن‌ها را نمی‌دهد. مجموعه اشعار فروغ فرخزاد، ضحاک مار دوش، زنان بدون مردان، پشت پرده‌های حرمرسا، دو قرن سکوت و چهره عریان زنان عرب، از جمله کتاب‌هایی است که در برابر دانشگاه بطور غیرمجاز خرید و فروش می‌شود. روزنامه‌های جناح راست وزارت ارشاد را مسبب این «نابسامانی‌ها» می‌دانند و خواهان برخورد جدی دستگاه‌های مسئول و امنیتی با کتاب‌هایی هستند که به تعبیر آنان امنیت جمهوری اسلامی را به خطر می‌اندازد و فرهنگ آن را مورد تعرض قرار می‌دهد. گفته‌اند که این‌گونه کتاب‌ها با استقبال مردم و به ویژه دانشجویان روبروست و گاه با قیمت‌های بالا دست به دست می‌شود.

کتاب‌های تازه

در زمینه رمان و داستان، در هفته‌های اخیر می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

کنار دریا، مرخصی و آزادی؛ نوشته مدرس صادقی که مجموعه‌ای است از ده داستان کوتاه، توسط نشر مرکز منتشر شده است.

گیله مرده؛ که گفته می‌شود از آخرین آثار بزرگ علوی شخصیت مشهور سیاسی و ادبی کشور می‌باشد، توسط انتشارات نگاه روانه بازار شده است.

پاپوه‌ها؛ رمانی است از زاهرا یا استانکو که توسط احمد شاملو به فارسی برگردانده شده است. این کتاب از سوی انتشاراتی نگاه روز به چاپ رسیده است.

ناخوانده در غبار؛ اثری از ویلیام فالکنر است که برای نخستین بار توسط شهریاری بهترین ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

از عشق و سایه‌ها؛ نویسنده کتاب، ایزابل آلتد، بیوه سالوادور آلتد رئیس‌جمهور سابق شیلی است. اصغر رستگار این کتاب را به فارسی برگردانده و از سوی نشر نقش خورشید و پرش منتشر شده است.

شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران؛ اثری است از مرتضی ثابت‌فرنگی این اثر در سال ۱۳۶۴ به پایان رسیده و بنا به دلایلی که اعلام نشده، چاپ آن تاکنون میسر نشده است. این کتاب را اکنون پس از ۱۳ سال انتشارات معین و نشر قطره با هم منتشر کرده‌اند.

نقد آثار و اندیشه‌های داستان‌نویسان غرب؛ عنوان کتابی است از عبدالغنی دستغیب. نویسنده در این کتاب به نقد آثار نویسندگان مشهوری نظیر داستایوفسکی، هرمان ملویل، ویلیام فالکنر و جان اشتاین‌بک، پرداخته است.

تمدن غرب از ماجرای رشدی چه آموزشی باید بگیرد
آموزش‌های بنیادگرایانه

نویسنده: آنتونی بارنت

شایان ذکر است که بسیاری از موافقان دموکراسی حتی حاضر هستند در برابر رژیم‌های دینی که از سوی هیچ‌کسی انتخاب نشده‌اند، زانو بزنند و اگر چنین نکنند به رهبران مذهبی این‌گونه رژیم‌ها لاقبل‌به‌بانه حق برداشت‌اشان از دستورات مذهبی حق می‌دهند که دیگران را به تسلیم وادارند. هیچ‌کس نمی‌خواهد با همان فنانیسم گله‌سازمانده‌ی شده متعصبین مذهبی به مقابله با آنان بسپردارد. رشدی با عکس‌العمل‌اش علیه فتوا شاید بکرترین سهم را برای دیپلماسی بین‌المللی ادا کرده. او سرزندگی اش را از دست نداد. کنایه

سکولار خطری برای سیستم اعستقادی‌اشان می‌بیند. سکولاریسم، آلت‌رناتیو جهان‌گرایانه است. تلاش بسیاری از چهارها فقط می‌تواند به تسخیر قدرت، زمانی که آن‌ها برای پذیرش خود در میان «توده» به ستایش پوپولیسم می‌پردازند، توده میلیونی که بر له و علیه امری به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند. باید توجه داشت سوسیالیسم، اولیسن و برجسته‌ترین هومانیزم جهان‌گرایانه بود.

لیبرالی را فرموله کرد: تازه واردان فقط با این پیش شرط که تا آخر خط بروند و کاملاً مانند ما بشوند، خوشایند هستند، در مقابل ما، به مثابه میزبانان روادار، هیچ چیزمان نباید تغییر بکند. امروز چنین نگرشی از سوی اکثریت رد شده است. مهاجرت و انطباق روندهای مستقلم و مستوعی هستند. پذیرفتن مهاجرین به معنای پذیرفتن تغییر در ما از سوی آنان است.

این که نویسنده‌ای از شبه جزیره هند جسارت به خود می‌دهد و تبعیض نژادی انگلیسی را به باد انتقاد می‌گیرد و با ایران بر سر موضوعات اسلامی درگیر می‌شود، بعضی‌ها را به این فکر انداخت: حقیقت، سر بسته چنین چیزهایی گفته می‌شد. بسیاری به این شکل تمایل‌شان مبني بر مخالفت با حمایت دولت انگلیس از رشدی را ابراز می‌کردند. هر چه رشدی موضع خود را طولانی‌تر نگه می‌داشت، این موضوع عیان‌تر می‌شد که او در زمین بازی کریکیتی نبرد می‌کند که هویت ملی ایجاد کرده است؛ منازعه «اسلامی» انگلیسی شد و انگلیسی بودن پس از ماجرای رشدی برای همیشه معنای دیگری خواهد داشت.

رواداری چند فرهنگی

آزادی انسدیده، اما تقسیم‌ناپذیر است. این حق باید برای هر کس در هر زمان و هر مکان تامین شود. هر چند، حق زنان برای خواست برابری با مردان نیز یکی از حقوق اساسی است که در هر جا، بایستی آن را خواست. هر دو حق با تعصب مذهبی برخورد می‌کنند که عالی مرتبان‌اشان در جهان‌بینی

- سوسیالیسم، اولین و برجسته‌ترین هومانیزم جهان‌گرایانه است
- سکولاریسم، آلت‌رناتیو جهان‌گرایانه است

برترین سلاح علیه تعصب مذهبی است و خنده‌جانانانه، بهترین حافظ است. در مواجهه با تهدید مرگ، رشدی نمی‌توانست کاری بکند. نظر به فشاری که بر وی وارد آمد، حتی دوستان رشدی، توقف انتشار ایده‌های شیطانی را درک می‌کردند. با وجود همبستگی بین‌المللی، مبارزه وی، مبارزهای فردی بود. با امتناع از تسلیم شدن، نه گفتن به همه پیش‌نهادهایی که از وی می‌خواستند با یک پوزش بزدلانه قضیه را به اتمام برساند، رشدی به نسبت مدرنیسم تمایلی نشان نداد و جهانی شدن را قابل تحمل‌تر کرد. ماکلی منبع: روزنامه زودویجه تابوتک برگردان: داریاب شکیب

داستان
نواب

سیروس سیف

سعيد خنده‌اش را فرو خورد و گفت: چه ربطی دارد؟! - فرصت جر و بحث نیست. جان جمشید و بقیه بچه‌ها در خطر است. خانه را باید فوراً تخلیه کنند!

در همین لحظه یکی از زندانی‌های دیگری به طرف آن‌ها آمد و فرهاد موضوع صحبت را عوض کرد و بعد هم وقت هواخوری به پایان رسید و بازگشتند به سلول. درون سلول هم هرچه فرهاد با حرکات چشم و سر و گردن به سعید اشاره کرد که برود و کار را شروع کند، اما سعید روی او از برگرداند و کلافه و دماغ رفت در گوشه‌ای نشست و به دیوار روبه رویش خیره شد. فرهاد هم کاری از دستش ساخته نبود چون، رابط داخل زندان با بیرون سعید بود. سعید بود که بازگشتند به سلول. درون سلول هم هرچه فرهاد با حرکات چشم و سر و گردن به سعید اشاره کرد که برود و کار را شروع کند، اما سعید روی او از برگرداند و کلافه و دماغ رفت در گوشه‌ای نشست و به دیوار روبه رویش خیره شد. فرهاد هم کاری از دستش ساخته نبود چون، رابط داخل زندان با بیرون سعید بود. سعید بود که بازگشتند به سلول. درون سلول هم هرچه فرهاد با حرکات چشم و سر و گردن به سعید اشاره کرد که برود و کار را شروع کند، اما سعید روی او از برگرداند و کلافه و دماغ رفت در گوشه‌ای نشست و به دیوار روبه رویش خیره شد.

می‌رفت، خبر به جمشید می‌رسید و... و این عمل یعنی حداقل یک هفته کار متمرکز کردن و حساب‌ثابته‌ها را داشتن و گوش بدزنگ بودن و... و تازه همه این برنامه‌ریزی‌ها در صورتی عملی بود که در زندان همه چیز به همان روشی که تا آن زمان پیش رفته بود پیش می‌رفت و گرنه باز هم نتیجه‌اش فاجعه بود. سعید هم چنان به دیوار مقابل خیره شده بود و می‌اندیشید که فرهاد از سوی دیگر اتاق با صدای بلند او را مخاطب قرار داد و گفت: - خوب آقا سعید، داشتی توی حیات می‌گفتی که داداش افتاده توی خرچ چون باید خونخوشو تخلیه کنه!

سعید که بکه خورده بود، بی‌اراده گفت: - کدام خونخوش؟! فرهاد با خونسردی جواب داد که: - خونه داداش دیگه! همون خونهای که باید هرچه زودتر تخلیه‌اش کنه و گرنه سفتش میاید پایین؟! سعید، فوراً دوزاریش افتاد و شروع کرد به تکمیل سناریویی که فرهاد برای امکان صحبت در سلول با حضور دیگران، راجع به موضوعی که در حیات با هم حرف زده بودند، طرحی را ریخته بود. بنا بر این گفت: - آره، ولی امکان نداره. چون اولاً توی چله زمستونه. تازه امکان اجازه کردن خونه دیگری رو هم نداره. این خونه را چند سال پیش اجازه کرده با اجازه خیلی پایین که آگه بخواد مثل همون خونه رو الان اجازه کنه پاس حداقل سه برابر اجازه بده، تازه پول پیش هم می‌خوان که

نداره. می‌گفت قضیه را با یکی از دوستانش که مهندس ساختمانه در میون گذشته. مهندس رفته خون رو دیده، گفته خونه محکم محکمه. توی این زمستون به این سردی تکون بخوری تا خرخره رفتی زیر قرض. داداشم بهش گفته که آخه خواب دیدم. مهندس گفته بابا ایوالله! ما را از سر کارمون اون‌هم وسط روز، کشیدی آوردی اینجا که بگی خواب دیدی؟! خوب می‌رفتی پیش آخوند محله‌تون و ازش می‌خواستی که خواب تو برات تعبیر کنه! من که آخوند نیستم. من مهندس هستم و سر و کارم با اعداد و ارقامه، با علم و منطق. من می‌گم این خونه سرپاش ایستاده و هیچ خطری هم تهدیدت نمی‌کنه. تومو. فرهاد خندید و گفت: - به نظر من مهندس بی‌خود گفته. اونجوری که تو برام تعریف کردی که سقف خونه چکه می‌کرده و یکی از چوب‌هاش هم ترک خورده بوده، خوب معلومه که ترس داداش بیجا نبوده! من می‌گم که خونه رو سر داداشت میاید پایین!

سعید، فوراً دوزاریش افتاد و شروع کرد به تکمیل سناریویی که فرهاد برای امکان صحبت در سلول با حضور دیگران، راجع به موضوعی که در حیات با هم حرف زده بودند، طرحی را ریخته بود. بنا بر این گفت: - آره، ولی امکان نداره. چون اولاً توی چله زمستونه. تازه امکان اجازه کردن خونه دیگری رو هم نداره. این خونه را چند سال پیش اجازه کرده با اجازه خیلی پایین که آگه بخواد مثل همون خونه رو الان اجازه کنه پاس حداقل سه برابر اجازه بده، تازه پول پیش هم می‌خوان که

مفهوم «جامعه بورژوازی» در تفکر سیاسی غرب

قسمت آخر

چارلز تایلور

ترجمه: ا.ب.

به همین خاطر تلاش می‌کند تا حد امکان به آنارشی نزدیک شود. البته این مطلب که هر دوی این امیدهای سیاسی بخصوص در جایی که این تفاوت ابتدا در متن تفکر ضد سلطنت مطلقه جامه عمل به خود پوشید، آزادی را به خطری می‌اندازد، اهمیت بسزایی دارد. تهدید دایمی آزادی، انکشاف در سیاست اراده همگانی (همان‌طور که بعدها گفته خواهد شد)، دارد. ایده اراده همگانی همان‌طور که به وسیله روسو تکامل داده شد، ایده اراده مردم را که از هر ساختار سیاسی مستقل است، در اخلاقیات جمهوریخواهی یونان باستان ذوب ساخته و از هر دو مایه می‌گیرد. روسو وفاداری خود را به مابقی سیاسی در آموزه بسیار غیرانتیک قرارداد اجتماعی، به جامعه‌ای که به وسیله کنش ارادی تأسیس می‌شود، به همین اهمیت این اجتماعات مستقل در تشکیل ندای درونی جای داد. او روح فضیلت اخلاق یونان باستان را در ایده‌ال جامعه سیاسی آزاد و مبتنی بر روابط بی‌میانگی و تنگاتنگ شخصی احضار کرد. البته اخلاق یونان باستان به عنوان اخلاقی که در جهان مدرن تحقق پذیر نیست، به چشم نمی‌خورد. برداشت اراده مردم به مثابه توجیه بی‌شائبه کلیه ساختارهای سیاسی و همه اقتدارها بر جای می‌ماند.

نابودی ریشه‌های جامعه بورژوازی در قرن بیستم در لوای برخی از جلوه‌ها و ادامه‌دهندگان این ایده تحقق یافت. بلاخص تحت نام ملیت و پروتلاریا. تحول نادر و هراسناکی روی داد و بدین وسیله، ایده‌ای که در برداشت مابقی سیاسی جامعه ریشه داشت، حالا دیگر کم‌به‌توجه‌ترین بوغ تام زندگی به نام پروژه انتقال سیاسی بست.

پس از آنکه این تفکر از جامعه بورژوازی به اجرا در می‌آمدند، بلکه این جامعه تنها بدین طریق می‌توانست از نابودی خود نجات پیدا کند که در وحدت والاتر دولت ادغام شود، یعنی از لحاظ سیاسی سازماندهی شود. هگل در مفهوم خود از جامعه بورژوازی، هر دو طیف لاک و مونتسکیو را بهم پیوند می‌دهد. تکرار می‌کند: اگر برداشت لاک بر شالوده ابعاد غیرسیاسی جامعه استوار است، پس دستاورد مونتسکیو در تصویر جامعه‌ای است که از طریق سازمان سیاسی‌اش تعریف می‌شود ولی این سازمان سیاسی بر طبق قانون اساسی‌اش به عرصه‌های مختلفی تقسیم‌بندی و قدرت در بین منابع مستقل و کثیری توزیع شده است. در این جا نکته حایز اهمیت همین است که اجتماعات مستقل برای اهداف غیرسیاسی وجود دارد. ولیکن اهمیت این اجتماعات مستقل در تشکیل گستره اجتماعی غیرسیاسی نیست، بلکه در این نطفه است که بنیان از هم‌گسختگی و گوناگون‌گری قدرت در درون سیستم سیاسی را تشکیل می‌دهند. زندگی آن‌ها در ورای سیستم سیاسی نیست که حایز اهمیت است، بلکه شیوه و طریقه ادغام آن‌ها در سیستم سیاسی و وجهه‌ای که این اجتماعات مستقل در درون سیستم سیاسی دارنند، مهم است.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

پس از آنکه این تفکر از جامعه بورژوازی به اجرا در می‌آمدند، بلکه این جامعه تنها بدین طریق می‌توانست از نابودی خود نجات پیدا کند که در وحدت والاتر دولت ادغام شود، یعنی از لحاظ سیاسی سازماندهی شود. هگل در مفهوم خود از جامعه بورژوازی، هر دو طیف لاک و مونتسکیو را بهم پیوند می‌دهد. تکرار می‌کند: اگر برداشت لاک بر شالوده ابعاد غیرسیاسی جامعه استوار است، پس دستاورد مونتسکیو در تصویر جامعه‌ای است که از طریق سازمان سیاسی‌اش تعریف می‌شود ولی این سازمان سیاسی بر طبق قانون اساسی‌اش به عرصه‌های مختلفی تقسیم‌بندی و قدرت در بین منابع مستقل و کثیری توزیع شده است. در این جا نکته حایز اهمیت همین است که اجتماعات مستقل برای اهداف غیرسیاسی وجود دارد. ولیکن اهمیت این اجتماعات مستقل در تشکیل گستره اجتماعی غیرسیاسی نیست، بلکه در این نطفه است که بنیان از هم‌گسختگی و گوناگون‌گری قدرت در درون سیستم سیاسی را تشکیل می‌دهند. زندگی آن‌ها در ورای سیستم سیاسی نیست که حایز اهمیت است، بلکه شیوه و طریقه ادغام آن‌ها در سیستم سیاسی و وجهه‌ای که این اجتماعات مستقل در درون سیستم سیاسی دارنند، مهم است.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

پس از آنکه این تفکر از جامعه بورژوازی به اجرا در می‌آمدند، بلکه این جامعه تنها بدین طریق می‌توانست از نابودی خود نجات پیدا کند که در وحدت والاتر دولت ادغام شود، یعنی از لحاظ سیاسی سازماندهی شود. هگل در مفهوم خود از جامعه بورژوازی، هر دو طیف لاک و مونتسکیو را بهم پیوند می‌دهد. تکرار می‌کند: اگر برداشت لاک بر شالوده ابعاد غیرسیاسی جامعه استوار است، پس دستاورد مونتسکیو در تصویر جامعه‌ای است که از طریق سازمان سیاسی‌اش تعریف می‌شود ولی این سازمان سیاسی بر طبق قانون اساسی‌اش به عرصه‌های مختلفی تقسیم‌بندی و قدرت در بین منابع مستقل و کثیری توزیع شده است. در این جا نکته حایز اهمیت همین است که اجتماعات مستقل برای اهداف غیرسیاسی وجود دارد. ولیکن اهمیت این اجتماعات مستقل در تشکیل گستره اجتماعی غیرسیاسی نیست، بلکه در این نطفه است که بنیان از هم‌گسختگی و گوناگون‌گری قدرت در درون سیستم سیاسی را تشکیل می‌دهند. زندگی آن‌ها در ورای سیستم سیاسی نیست که حایز اهمیت است، بلکه شیوه و طریقه ادغام آن‌ها در سیستم سیاسی و وجهه‌ای که این اجتماعات مستقل در درون سیستم سیاسی دارنند، مهم است.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

به این ترتیب، عناصر مختلف جامعه سیاسی هگل نقش خود را در چهارچوبه دولت ایفا می‌کنند. رسته‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند و شالوده قانون اساسی به شمار می‌روند که فورمول آن از بعضی جهات از مونتسکیو الهام گرفته بود. به این طریق، ما هم از تشابه یکان دولت اراده همگانی پیشگیری می‌کنیم، که به موجب نظر هگل ناگزیر به جباریت و ترور ختم می‌شود، و هم از بازی نامنظم، و در نتیجه خودبرآوردگر نیروهای کور اقتصادی اجتناب می‌ورزیم که کم‌مانده بود موجودیت انگلیس را به خطر بیندازد.

به این ترتیب، عناصر مختلف جامعه سیاسی هگل نقش خود را در چهارچوبه دولت ایفا می‌کنند. رسته‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند و شالوده قانون اساسی به شمار می‌روند که فورمول آن از بعضی جهات از مونتسکیو الهام گرفته بود. به این طریق، ما هم از تشابه یکان دولت اراده همگانی پیشگیری می‌کنیم، که به موجب نظر هگل ناگزیر به جباریت و ترور ختم می‌شود، و هم از بازی نامنظم، و در نتیجه خودبرآوردگر نیروهای کور اقتصادی اجتناب می‌ورزیم که کم‌مانده بود موجودیت انگلیس را به خطر بیندازد.

پس از آنکه این تفکر از جامعه بورژوازی به اجرا در می‌آمدند، بلکه این جامعه تنها بدین طریق می‌توانست از نابودی خود نجات پیدا کند که در وحدت والاتر دولت ادغام شود، یعنی از لحاظ سیاسی سازماندهی شود. هگل در مفهوم خود از جامعه بورژوازی، هر دو طیف لاک و مونتسکیو را بهم پیوند می‌دهد. تکرار می‌کند: اگر برداشت لاک بر شالوده ابعاد غیرسیاسی جامعه استوار است، پس دستاورد مونتسکیو در تصویر جامعه‌ای است که از طریق سازمان سیاسی‌اش تعریف می‌شود ولی این سازمان سیاسی بر طبق قانون اساسی‌اش به عرصه‌های مختلفی تقسیم‌بندی و قدرت در بین منابع مستقل و کثیری توزیع شده است. در این جا نکته حایز اهمیت همین است که اجتماعات مستقل برای اهداف غیرسیاسی وجود دارد. ولیکن اهمیت این اجتماعات مستقل در تشکیل گستره اجتماعی غیرسیاسی نیست، بلکه در این نطفه است که بنیان از هم‌گسختگی و گوناگون‌گری قدرت در درون سیستم سیاسی را تشکیل می‌دهند. زندگی آن‌ها در ورای سیستم سیاسی نیست که حایز اهمیت است، بلکه شیوه و طریقه ادغام آن‌ها در سیستم سیاسی و وجهه‌ای که این اجتماعات مستقل در درون سیستم سیاسی دارنند، مهم است.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

شکوفان کنند. ولی بخشی از جاذبه آن‌ها، انکشاف سادگی آن‌هاست. به همین دلیل، هر دو طرف در عین جنگ با یکدیگر، گرایش به تعریف طرف مقابل به عنوان یگانه‌گزینت ممکن دارند. هر دو گزینت، که هیچکدام کاملاً با جهان درم تافته تر اخلاقی همخوانی ندارند، این جهان را انکار می‌کنند و شاگردان پروپا قرص دیروز مارکس به هواداران آتشین مرام و مسلک هایک بدل می‌شوند. اگر می‌خواهیم مفهوم جامعه بورژوازی را در مرکز گفتار سیاسی امروزمان قرار دهیم، در این صورت باید آماده باشیم بر این‌گونه فورمول‌های آشکارا اغواگرانه خط بطلان بکشیم.

به راستی عرصه وسیعی از امکانات دیگر وجود دارد؛ راه‌های سوم بالقوه، به انضمام گزینته‌ای از لیبرالیسم نوع توکویلی وجود دارد. در جایی که نوع نگاه ژاکوبینیستی به سنت جمهوریخواهی آزادی دلت دارد، ولی از این آزادی برای به یوغ کشیدن جامعه بورژوازی استفاده می‌کنند، و آن جایی که لیبرالیسم «متنی» آزادی را در کلیتش بی‌ارزش جلوه می‌دهد، توکویل ایده‌ال‌های آزادی جمهوریخواهانه را در متن قدرتی تمرکززده و پاراگونه، از نو صورت بندی می‌کند و صورت بندی او از طیف مونتسکیو مشتق می‌شود.

«Corps Intermediares» مونتسکیو که در آغاز دژ امتیاز بود، به انجمن‌های خودگردان تبدیل شدند. جامعه بورژوازی آن قدر هم گسترده‌ای در ورای قدرت سیاسی نیست. فراتر از آن، در کینه این نفوذ می‌کند، آن را به پاره‌های مختلف تقسیم کرده و از آن مرکز زدایی می‌کند. مؤلفه‌های جامعه بورژوازی در حقیقت ذو حیاتین است.

امیدوارم موفق شده باشم تمایل خود را به برتری مدل سوم بر دو مدل دیگر پنهان کنم. من اکنون می‌دانم که مندر اول اعتبار خود را از دست داده است، مثل بیم دارم که مدل دوم بتواند بر ضعف‌های خودش مرحم بنهد. چنانچه مدل دوم بتواند بر نقطه ضعف‌هایش غلبه کند، در این صورت مفهوم جامعه بورژوازی جایگاه اصلی خود را از دست داده و کم‌رمت خواهد شد. وزنه آن به عنوان نیروی مقابله با قدرت دیوان‌سالاری خنثی خواهد شد و بخش مهم سنت سیاسی ما (غرب)، ایده‌ال آزادی سیاسی، کزی و کاستی می‌یابد.

ولیکن این امر موجب آن نیست که ایده جامعه بورژوازی، که ما می‌خواهیم از طریق آن تجدید قوا کنیم، ساده و یکپارچه است. ما به سادگی نمی‌توانیم از طیف مونتسکیو برعلیه طیف لاک جانبداری کنیم. هر دو طیف ریشه عینی در سنت‌های سیاسی ما دارند. اندیشه آزادی لاک آن قدر بزرگ و فشرده است که در کلیتش، آن را نمی‌توان نفی کرد. تصمیم به نظر می‌رسد مابین این نظریه از جامعه بورژوازی که تنها منحصر به طیف لاک گرایش دارد و آن نظریه که تلاش می‌کند میان هر دو نظر توازن برقرار کند، باشد. مقله اول شامل انتقاد دست‌راستی از سیاست تکوپوراتیستی است که می‌کوشند قدرت دولت را به عقب برانند. ما در مقله دوم میراث‌داران معاصر توکویل را می‌یابیم. برخی از آن‌ها با کثرت سرسریجه‌آور تسخیل‌گرایان، مشترکا در سرزمین‌های چپ اکتولوژیک فرود می‌آیند که بر فراز مرکز بسیاری از کشورهای اروپایی پراکنده شده‌اند.

در هر صورت در این مرحله باید روشن باشد که انتخاب نوع دید ما، پیامدهای مهم سیاسی می‌تواند به همراه داشته باشد. من تمایل خود را به برتری نمونه دوم نمی‌توانم کتمان کنم. به همان من، این نمونه به تنهایی پاسخی مناسب به سنت سرنوشت آزادی در غرب می‌تواند بدهد. اما تمایل ما به گزینش یکی از این دو مدل به معنای برداشت و بی‌زودی از جایگاه بهره‌برداری مجدد از حقوق در زندگی سیاسی ماست. منتهی نشان دادن این ارتباط مقاله دیگری را طلب می‌کند. اما اگر رهیافت بنیادی این مقاله درست است که برداشت غربی از حقوق فردی در چهارچوبه جامعه بورژوازی رشد کرد، در این صورت بهره‌برداری مجدد از تمامی این مفهوم می‌تواند تأثیرات مهمی بر تئوری حقوق بشر بر پراچک مجدداً استخراج این حقوق داشته باشد. البته این فرضی است که باید بررسی شود. ■

VI

بنا بر این، جامعه بورژوازی ما، درم تافته است، ملقمه‌ای از تأثیرات دو گرایش نسبتاً متفاوتی است که من به عنوان طیف لاک و مونتسکیو از آن‌ها نام بردم. بی‌تردید این مفهوم از تعریف به دلیل مشا دوگانه‌اش میان هر دو در نوسان است. برای ساختار شکنی از دیکتاتور لیستی، یکی از این دو تعریف کافی است. اما اگر پرسیسم رابطه مفهوم جامعه بورژوازی با آزادی، دموکراسی‌های لیبرال غربی چیست، پاسخ درم تافته تر می‌شود. ما تازه حالا می‌توانیم بفهیم چرا به سوالی تشکیلات بین‌المللی که در زمان این گونه حوادث اضطراری فعال باشد. کجاست آن سیاست خارجی کلاسیک که به سیاست بین‌المللی همکاری و توسعه تغییر یابد.

قدرت دولت در شکل کمتر مهیچی به وسیله تعریف خود دولت به عنوان ابزار اراده خلق ارتقا یافت. ولی سیاست حاشیه‌ای ساختن سیاست نیز، همیشه به عنوان خطری - گرچه ظریف تر - برای آزادی قلمداد شده است. این خطر به ویژه موقعی است که آن گسترده‌های جامعه که در لوای آن‌ها سیاست حاشیه‌سازی دنبال می‌گردد، گستره خود - تنظیم‌گر اقتصاد باشد. زیرا در این عرصه نظم چیزها در جامعه به عنوان یک کل نباید بر مبنای اراده جمعی یا تصمیم مشترک باشد، بلکه باید نتیجه تأثیر «دست نامرئی» باشد. سردن سرونوشت جمعی خود به نیروهای کور اقتصاد را می‌توان به مثابه نوعی از خودبیکانگی تداعی کرد.

كرد

چهارشنبه ۲۵ آذر ۱۳۷۷ - ۲۵ نوامبر ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۹۶
 KAR. No. 196 Wednesday 25. Nov. 1998
 G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب: I.G.e.v	آدرس: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32	کد پانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtparkasse Köln Germany	

آدرس کار در اینترنت:
http://www.geocities.com/CapitolHill/2902

فادای اکساریات@mag.net

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90
 شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136

تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان
 بهای اشتراک:
 اروپا: شش ماه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک
 سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

در پی پناهنده شدن او جالان به ایتالیا رابطه آنکارا با روم بحرانی شد

معنی امنیت بین‌المللی چیست؟ طوفان رودرویی ماست

● نقدی بر «توجه» سیاست بین‌المللی به فاجعه «میچ»

نشریه فرایتاگ ۱۳ نوامبر ۹۸

نیکاراگوئه پولی نداشت تا دیگر نه به کمک برای انتقال مردم از نواحی فاجعه انتقال دهد. این بدبختی خود بیان یک فاجعه است: چیزی که امروز در افکار عمومی منعکس شده است، در بنگلادش به یک حادثه روزمره همیشگی تبدیل شده است. در فقیرترین کشور دنیا، در بسیاری از ایام سال دو سوم کشور زیر آب قرار دارد. آن حدی که این فاجعه در وسایل ارتباط عمومی مورد صحبت قرار گرفت و در سیاست جهانی مورد توجه واقع شد، آشکار شد که امنیت بین‌المللی چه مفهوم بسته و تنگی دارد. پس از تکان بازار بورس در آسیا، ناگهان جلسه ۷ کشور صنعتی تشکیل می‌شود تا بازار بورس را پایدار سازد. اما وقتی کشوری سرزمین‌های وسیعی تا مرز پایتخت خود را «قبرستان ملی» اعلام کرده است، آنگاه که ۷۰ درصد زیر ساخت یک کشور عضو سازمان ملل، دو سوم محصول کشاورزی و اصولاً سرزمین‌های کشاورزی آمریکای مرکزی تا دوسوم ناپود می‌شود و بنظر متخصصین چهار کشور، ۲۰ سال از توسعه خود عقب می‌ماند، وقتی که در این مدت ۱۵ هزار کشته، ۳۰ هزار تن ناپدید، ۳ میلیون نفر از این فاجعه آسیب دیده‌اند، به این فاجعه به عنوان مسئله امنیتی بین‌المللی برخورد نمی‌شود. و تازه انسان می‌شود در رونق فاجعه می‌توانست داشته باشد.

آمریکای مرکزی در این لحظه دیگر نه به کمک برای انتقال مردم از نواحی فاجعه زده، بلکه به کمک برای دفن آنان نیاز دارد. زیرا به تنهایی قادر نیست کشتگان خود را دفن کند. آن گونه که رئیس‌جمهور نیکاراگوئه هفته پیش اعتراف کرد، آنها فقط ۶ هلی‌کوپتر برای جابجا کردن مردم داشتند. شاید بخواهند که آمریکای مرکزی خود را با ارقام تسلی دهد، زیرا که این فاجعه جز «فقط» ده‌تای اول فاجعه این قرن می‌باشد. ولی حتی حوادث متوسط نیز به فقیرترین فقر، صدمات وحشتناک می‌زند. تضاد شمال و جنوب نیز در این جا چهره خود را نشان می‌دهد که چگونه حوادث یکسان تاثیرات شدت نابرابر برجا می‌گذرانند: در بزرگترین فاجعه طوفان این قسرون در سال ۱۹۷۰، بنگلادش حدود ۵۰۰ هزار انسان جان خود را از دست دادند. وقتی ۲ سال بعد طوفان گردباد آگنس در آمریکا در گرفت، «فقط» ۱۱۸ تن جان باختند. و در سال ۱۹۹۲ در طوفان آندرو ۱۹ تن، چرا که در این مدت کشورها توانستند از نظر تکنیکی به سیستم راداری مجهز شوند که توسط آن امکان می‌یابد مسیر طوفان را تا ۵۰ کیلومتری تشخیص دهند. اگر هواشناسان در میامی چرخش ناگهانی طوفان میچ به آمریکای مرکزی را پیش‌بینی می‌کردند، چه تاثیری در رونق فاجعه می‌توانست داشته باشد.

تخلیه مناطق اشغالی در کرانه غربی رود اردن آغاز شد

پس از کسب اکثریت ضعیف (۷۷ در ۵) در کابینه دولت اسرائیل و تقریباً چهار هفته بعد از امضا قرارداد «وای» و پس از ۳۱ سال، بالاخره روز جمعه گذشته ارتش اسرائیل تخلیه مناطق اشغالی در کرانه رود غربی اردن را آغاز نمود. در این ۵۰۰ کیلومتر مربع تخلیه شده ۲۸ دهکده و شهرک وجود دارند که زیر عنوان «منطقه ب» تحت کنترل مشترک فلسطینی - اسرائیلی قرار خواهند گرفت. طی روزهای آتی قرار است «منطقه آ» که شامل ۷/۱ درصد مناطق اشغالی می‌باشد تخلیه و زیر نظارت فلسطینی‌ها اداره شود. با آغاز تخلیه مناطق اشغالی سربازان اسرائیلی با نصب بلوک‌های بتونی و تسالوهای قرمز با زبان‌های عربی، انگلیسی و عبری اقدام به علامت‌گذاری مناطق فلسطینی - اسرائیلی نمودند. طبق قرارداد «وای»، اسرائیل ملزم است ظرف سه ماه ۱۳ درصد مناطق اشغالی که شامل ۱۰ درصد مناطق مسکونی و سه درصد منطقه طبیعی حفاظت شده است را تخلیه نماید. علاوه بر آن دولت این کشور ملزم شده است تا ۵۰۰ زندانی سیاسی را آزاد نماید. روز جمعه گذشته دولت این کشور ۲۵ زندانی فلسطینی را آزاد نمود. بنا بر گفته سخنگوی یاسر عرفات، زندانیان آزاد شده زندانیان عادی بودند و نه سیاسی. وی ابراز امیدواری کرد که ۵۰۰ زندانی سیاسی توسط دولت اسرائیل آزاد شوند. بنیامین نستانیو در جریان تخلیه مناطق اشغالی گفت: دولت اسرائیل اولین قدم در راه صلح را برداشت. اینک نوبت فلسطینی‌ها است که با اجرای مصوبات قرارداد «وای» در زمینه جمع‌آوری سلاح‌های غیر مجاز و حذف بند ناپودی اسرائیل در منشور ساف، کوشا باشند. همچنین روز یکشنبه فرودگاه فلسطینی واقع در نوار غزه که مدت دو سال از احداث آن می‌گذرد با فرود اولین هواپیمای خط هوایی مراکش افتتاح خواهد شد.



تنها در هفت ماهه آغازین سال جاری میلادی با ۳/۵ میلیارد دلار حجم و موازنه مثبت به نفع ایتالیا است. آسیب جدی خواهد دید. همزمان با بحرانی شدن روابط بین ترکیه و ایتالیا، پروکسل پایتخت بلژیک شاهد درگیری کردها و ترکهای ساکن این شهر بود که در آن چند خانه و مغازه به آتش کشیده شد. پارلمان اروپا روز پنجشنبه با انتقاد از ترکیه به خاطر موضع‌گیری در قبال ورود او جالان به رم از موضع ایتالیا در قبال این مسأله حمایت کرد. دادگاه استیناف رم، روز جمعه گذشته با رد درخواست ترکیه برای استرداد او جالان، حکم به آزادی او داد. در حکم دادگاه

با پناهنده شدن او جالان به ایتالیا، معاون نخست‌وزیر ترکیه از همه احزاب این کشور خواست تا برای بازپس گرفتن او جالان از ایتالیا طرح تغییر قانون مجازات اعدام در مجلس را به تصویب رسانند. با پناهنده شدن او جالان به ایتالیا، هنوز از سرنوشت چریک‌های پ. کا. کا. که در مناطق کوهستانی کردستان ترکیه که با ارتش این کشور درگیرند اطلاعی در دست نیست. این پناهنده شدن او جالان به ایتالیا به مفهوم پیروزی ارتش ترکیه و پایان یافتن مبارزه مسلحانه پ. کا. کا. است؟

مجلس همجنان باقی است

با گذشت ۷۵ سال از تأسیس جمهوری ترکیه معضلات اولیه آن یعنی دولت لائیک، ملت واحد و نزدیکی به غرب همچنان لاینحل باقی مانده‌اند. به لحاظ تاریخی نقش نظامیان نوگرایی ترکیه در جنبش مردمی جمهوریخواهی این کشور نقشی فائق بوده است و سهم خواهی آنان امروز بعنوان عامل مهمی در ممانعت از تعقیق جنبش در راستای دموکراتیزه شدن است. تاریخ ۲۰ سال گذشته دیکتاتورهای نظامی در اسپانیا، پرتغال و یونان نشان می‌دهد: هرچه روند دموکراتیزه شدن پیشرفته‌تر باشد، حضور ژنرال‌ها در سیاست بی‌معنی‌تر است. لائیس در ترکیه به مفهوم دموکراسی نیست. با آغاز مهاجرت روستائیان به شهر در اواخر دهه هفتاد چهره شهری و ساختار آن دستخوش دگرگونی گردید. نسل دوم این مهاجران بعنوان کارمندان، معلمان، دانشجویان و افسران وارد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری می‌شوند. تصفیه و اخراج دانشجویان با حجاب، اخراج دانشجویان دانشکده افسری که گرایشهای اسلامی دارند، اخراج کارمندان با تمایلات اسلام‌گرایی و ... این روزها در ترکیه در دستور روز قرار دارند. دولت اربکان یک سال بیشتر دوام نیاورد و تحت فشار نظامیان مجبور به استعفا شد. حزب رفاه منوع و اجازه فعالیت سیاسی برای مدت پنج سال از اربکان سلب گردید. با پایان گرفتن فعالیت «قانونی» پارلمنتاریستی حزب رفاه، حزب اخلاق جانشین آن گردید. فشار ارتش بر اسلام‌گراها بدون تردید منجر به رادیکالیزه -

هفته گذشته در پی مسافرت عبدالله او جالان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. کا. کا.) از روسیه به ایتالیا، اروپا شاهد ناآرامی‌ها و تشنجات متعددی بود. به محض ورود او جالان به فرودگاه در رم، وی توسط پلیس ایتالیا دستگیر و روانه یک بیمارستان نظامی گردید. با انتشار خبر دستگیری او جالان تظاهرات وسیعی در اکثر شهرهای اروپایی برای آزادی وی از سوی کردهای ساکن اروپا برگزار شد. از سوی دیگر هفته گذشته دو نفر کرد برای آزادی وی در مسکو اقدام به خودکوشی نمودند.

او جالان کیست؟
 او جالان ۴۹ سال دارد و در اورفا واقع در جنوب شرقی آناتولی متولد شد. خانواده وی در سال ۱۹۶۶ به آنکارا مهاجرت نمود. وی در همان جا وارد دانشگاه شد و در رشته علوم سیاسی آغاز به تحصیل نمود و با گروه‌های چپ دانشگاه آشنا گردید. وی برای نخستین

تشن بین ترکیه و ایتالیا
 متعاقب دستگیری او جالان، ترکیه خواستار استرداد وی شد. مسعود یلماز نخست‌وزیر ترکیه در روز چهارشنبه طی سخنرانی تندی علیه ایتالیا گفت: در صورتی که ایتالیا او جالان را به آنکارا مسترد نکند، شریک جرم او خواهد بود. طرفهای ترکیه همچنین تهدید کردند که در صورت عدم همراهی ایتالیا با آنها، روابط تجاری دو کشور که

بمناسبت ۷۵ سالگی تأسیس جمهوری ترکیه معضل دیرپای ترکیه همچنان باقی است

محمود صالحی

در تفسیر آن از سه عنصر اقلیت‌های قومی، مذهبی و مبارزه طبقاتی در جابجایی قوانین جزایی، بخصوص در پاراگراف ۳۱۲ این قانون نام برده شده است.

دوازده سال بعد از مرگ آتاتورک در سال ۱۹۵۰ اولین انتخابات آزاد برگزار شد و حزب دمکراتیک به رهبری «عدنان مندرس» در این انتخابات پیروز گردید. رفقه‌های آتاتورک در زمینه نزدیکی فرهنگی به اروپا و صنعتی کردن ترکیه، تا آن زمان بر زندگی نزدیک به ۸۲٪ مردم ترکیه یعنی جمعیت روستایی و دهقانان بی‌تاثیر بود. با آغاز دولت «مندرس» نمایندگان اقوام و فرقه‌های مذهبی که تا آن زمان زمان بودند به مجلس راه یافتند. بخشی از «رفرقه‌های فرهنگی» زمان آتاتورک (که از نظر روستائیان ضد مذهبی بود) یعنی ترجمه ترکی (آدان و نماز) و سایر فرائض دینی نیز حل گرفته شد. در عین حال محورهای اصلی سیاست آتاتورک یعنی نزدیکی به غرب با درخواست عضویت در اتحادیه اقتصادی اروپا و عضویت در ناتو و حتی شرکت در جنگ کرد دنبال گردید.

کودتای نظامی جناح چپ افسران کمالیست در سال ۱۹۶۰ سرنگونی دولت مندرس و اعدام وی که بیشتر با پشتوانه اجتماعی خردبورژوازی شهری و مهاجران ترک بالکان و قفقاز صورت گرفت، برخاسته از

این روزها ۷۵ سال از تأسیس جمهوری ترکیه توسط مصطفی کمال پاشا معروف به «آتاتورک»، می‌گذرد. سالروز بنیانگذاری دولت مدرن ترکیه با حضور صدها میهمان خارجی و رژه نظامیان از مقابل آتاتورک جشن گرفته شد.

پیش‌زمینه‌ها:
 با آغاز قرن نوزدهم روند فرمایشی امپراطوری عثمانی آغاز و با قرارداد «سور» در سال ۱۹۲۰ انحلال آن رقم خورد. در همین سال دولت مرکزی کنترل خود بر نواحی آناتولی را از دست داد. در این میان دولت و مجلسی از سوی «میلیون» در شهر آنکارا تشکیل شد. در اول نوامبر سال ۱۹۲۲ حکومت آنکارا سلطان را خلع ید کرد و به این ترتیب عمر حکومت سیاسی ۶۲۳ ساله عثمانی به سر آمد. در ماه اکتبر سال ۱۹۲۳ حکومت جمهوری به ریاست آتاتورک رسماً اعلام گردید. در سال ۱۹۲۴ قانون اساسی جدیدی وضع شد که بر اساس آن حزب خلق، حزب کمال آتاتورک، تنها حزب قانونی ترکیه اعلام شده بود. با قدرت‌گیری افسران و بوروکراتها «هماهنگی فرهنگی» در دستور روز قرار گرفت. با تفکیک دین از سیاست، رسمیت دین اسلام لغو شد و القیای لاتین بجای القیای عبری رسمیت یافت. هدف از این هماهنگی جلوگیری از رشد عناصر به‌اصطلاح «تجزیه‌طلب» بود که